

# همه با هم



# علیه فساد

سال سوم، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۶

مرکز مطالعات و پژوهش های سلامت اداری و مبارزه با فساد



## **همه با هم علیه فساد**

**گردآوری و ترجمه:**

**محمود مهدوی‌فر**

**سال سوم، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۷**

**مرکز مطالعات و پژوهش‌های  
سلامت اداری و مبارزه با فساد**





## فهرست مطالب

|                                                             |    |
|-------------------------------------------------------------|----|
| مقدمه                                                       | ۵  |
| گزیده اخبار و رویدادهای بین‌المللی در مبارزه با فساد        | ۷  |
| تبیین مفهوم اراده سیاسی برای برخورد با فساد                 | ۱۷ |
| درآمدی بر لابی‌گری و تفاوت آن فساد                          | ۳۵ |
| نحوه رسیدگی به شکایات مرتبط با فساد در معاملات دولتی        | ۵۱ |
| رشوه، هدایا و رسوایی: هفت ماجرای تاریخی فساد که انگلستان را |    |
| تکان داد                                                    | ۶۷ |
| معرفی کتاب: راهبردهای ضد فساد دولتی: یک دیدگاه متقابل       |    |
| فرهنگی                                                      | ۷۷ |

---

مطالب مندرج در این گزارش نشانگر دیدگاه نویسنده آن بوده و لزوماً نمایانگر دیدگاه سازمان بازرسی کل کشور نیست.



## مقدمه

اراده و توانایی بازیگران سیاسی برای مبارزه با فساد از محیط اجتماعی، سیاسی و دیوانسالاری تأثیر می‌پذیرد که در آن مشغول به فعالیت‌اند. در بسیاری از موارد «نبود اراده‌ی سیاسی» به عنوان عامل اصلی اجرای نادرست برنامه‌های مبارزه با فساد شناخته شده است. با این همه، این موضوع در بیشتر اوقات توجیهی برای نتایج نامطلوب اصلاحات بوده است و هنوز تعریف دقیقی از مفهوم «اراده‌ی سیاسی» ارائه نشده و درک درستی از آن وجود ندارد.

فصلنامه «همه باهم علیه فساد» در راستای تبیین مفاهیم مبهم یا مفاهیمی که کمتر تمامی زوایای آن‌ها در حوزه مطالعات مبارزه با فساد مورد بررسی قرار گرفته است، در این شماره نیز سعی داشته تا مفهوم «اراده‌ی سیاسی» برای برخورد با فساد به صورتی تخصصی تبیین و روشن شود. در بخشی دیگر نگاهی به مفهوم «لابی‌گری» و تفاوت آن با فساد داشته‌ایم. برای بیشتر مردم، لابی‌گری و فساد دقیقاً هم‌معنی‌اند. اما تحقیقات انجام شده زیادی نشان می‌دهد که این دو یکی نیستند، هرچند لابی‌گری و تمام انواع و شکل‌های فساد منطق بنیانی یکسانی دارند و آن تأثیرگذاری بر تصمیمات دولت است.

در نوشتاری دیگر و در راستای ارائه مطالب کاربردی، روش‌های مصاحبه با شاکیان، آگاهان و افشاگران در زمینه فساد در معاملات دولتی با تمرکز بر مناقصات آورده شده تا اینکه نشان دهد چگونه با طرح پرسش‌های درست و دقیق می‌توان به فساد احتمالی یک دستگاه اداری در معاملات دولتی پی بُرد. اخبار و بیان تحولات مهم بین‌المللی در عرصه مبارزه با فساد، مطلبی تاریخی در مورد فساد در انگلستان و سرانجام معرفی کتاب از دیگر بخش‌های مجموعه حاضر است.

**مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد**



گزیده اخبار و رویدادهای بین‌المللی

در مبارزه با فساد





## حبس ابد مجازات اختلاس ۱۶ میلیون دلاری در ویتنام<sup>۱</sup>

یک نماینده سابق مجلس ویتنام به دلیل اختلاس ۱۶ میلیون دلاری پیش پرداخت مسکن که توسط برخی خریداران به وی داده شده بود، توسط دادگاهی در این کشور به حبس ابد محکوم شد. "چائو تی تونگا" آخرین پرونده اختلاسی است که در برنامه مقابله با فساد دولت ویتنام به این مجازات محکوم شده است.



دولت ویتنام براساس این برنامه قصد دارد مقامات فاسد در دولت فعلی و همچنین دولت‌های قبلی، بانکدارها و سایر مقامات اجرایی را که از مناصب خود سوءاستفاده کرده‌اند به سزای اعمالشان برساند. این عضو سابق مجلس ویتنام که ریاست شرکتی بنام "هوسینگ گروپ" را نیز بر عهده داشته است از سال ۲۰۰۹ شروع به پیش‌فروش آپارتمان‌هایی کرده بود، درحالی‌که این پروژه مجوزهای لازم را نداشته و هرگز ساخته نشده بود.

این فرد ۵۲ ساله که بعداً به عضویت مجلس این کشور درآمده بود محکوم به فروش آپارتمان "تنها بر روی کاغذ" به مشتریان شده است. علاوه بر وی که به حبس ابد محکوم شده و ملزم به بازپرداخت پیش‌پرداخت‌ها است، ۹ همدست وی نیز به مجازات حبس سه تا هفت سال محکوم شده‌اند. وی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ به‌عنوان عضو مجلس ویتنام فعالیت می‌کرد.

1. <https://magito.ir/news/economic/1438745/>

دولت فعلی ویتنام مقامات ارشد این کشور و دیگر مقامات رسمی را هدف قرار داده است تا با پایان دادن به فساد در این کشور تصویر عمومی خود را نیز در افکار عمومی بهبود بخشد.

دولت این کشور ماه گذشته نیز ۵۱ بانکدار و تاجر را به دلیل اختلاس‌های گسترده مرتبط با 'اوشن بانک' به مجازات سنگینی محکوم کرد که مدیرعامل سابق این بانک نیز به دلیل از دست رفتن میلیون‌ها دلار به اعدام محکوم شد.

## قتل خبرنگار افشاگر در دل اروپا<sup>۱</sup>

خبرنگار مشهوری که در افشای اسناد پاناما نقشی کلیدی داشت در مالت به قتل رسید. دافنه کاروانا گالیزیا که برای کارهای تحقیقی درباره فساد شهرت بسیار داشت در اثر انفجار بمب در ماشینش به قتل رسید.



رسانه‌های محلی مالت گزارش کرده‌اند که این روزنامه نگار دو هفته پیش از مرگ برای دریافت پیام‌های تهدید به مرگ به پلیس مراجعه کرده بود. او با گزارش‌های

افشاگرانه‌اش در صحنه سیاسی کوچک‌ترین کشور اتحادیه اروپا دشمنان بسیاری از جمله نخست وزیر آن کشور داشت.

نشریه "پولیتیکو" به او لقب «ویکی لیکس یک نفره» داده بود. در وبلاگ محبوبش بیش از تمام رسانه‌های رسمی مالت بازدیدکننده داشت. احزاب مخالف دولت در مالت ترور این خبرنگار را «قتلی سیاسی» توصیف کرده‌اند.

قتل گالیزیا موجی از واکنش در عرصه سیاسی اروپا راه انداخته است. برای نمونه آنتونیو تایانی رئیس مجلس اروپا قتل او را «وحشیانه» توصیف

کرد و گفت: او نمونه‌ای تراژیک از خبرنگارانی بود که زندگی‌شان را در جستجوی حقیقت فدا کردند. او هیچ‌گاه فراموش نخواهد شد. سازمان گزارشگران بدون مرز ضمن محکوم کردن قتل گالیزیا اعلام کرد که حساب‌های بانکی او پس از افشاگری‌هایش درباره فساد دولت مالت مسدود شده بود.

## مارادونا قطری‌ها را به افشاگری تهدید کرد<sup>۱</sup>

اسطوره فوتبال آرژانتین با انتقاد از بلاتر وعده داد که علیه قطری‌ها افشاگری می‌کند.

جام جهانی ۲۰۲۲ قرار است که به میزبانی قطر برگزار شود اما بسیاری از کشورها به دنبال لغو امتیاز میزبانی این کشور کوچک حوزه خلیج فارس هستند. پیش از این تنها کشورهای اروپایی قصد داشتند با جمع کردن مستندات و مدارک، غیرقانونی بودن برگزاری جام جهانی در کشور قطر را ثابت کنند، اما اکنون کشورهای عربی به‌ویژه امارات و عربستان چنین رویه‌ای را در پیش گرفته‌اند.



مارادونا که رابطه بسیار خوبی با اماراتی‌ها دارد قول به افشاگری داد. او گفت: من مدارک مهمی در اختیار دارم. به‌زودی در جلسه‌ای که با اینفانتینو برگزار خواهیم کرد از تبانی و فساد قطر با رئیس سابق فیفا سخن خواهیم

1. [www.isna.ir/news/96080905092/](http://www.isna.ir/news/96080905092/)

گفت. بالاتر در دادن جام جهانی ۲۰۲۲ به قطر نقش داشت و باید این اثبات شود.

او ادامه داد: ورزش باید فقط متعلق به ورزشی‌ها باشد و نباید سیاست‌مداران در آن دخالت داشته باشند. جام جهانی قطر مشکلات زیادی دارد و باید در این زمینه شفاف‌سازی شود. من دست از تلاش خود برنخواهم داشت و می‌خواهم دست‌های پشت پرده افشا شوند.

## ۱۲ سال حبس برای مقام امنیتی پیشین باکو<sup>۱</sup>

دادگاه منطقه صابونچی باکو، ژنرال "عاکف چووداروف" مدیر کل پیشین «اداره امنیت خطوط انرژی و حمل‌ونقل» وزارت منحل شده «امنیت ملی» جمهوری آذربایجان را به جرم فساد مالی و اختلاس کلان، تشکیل دسته تبهکاری و اخاذی و جمع‌آوری غیرقانونی اطلاعات، به ۱۲ سال زندان محکوم کرد.

همچنین حبیب حسن اف، رئیس دادگاه نظامی باکو اعلام کرد باز پس گرفته شدن درجه ژنرالی این مقام پیشین امنیتی، از الهام علی اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان درخواست خواهد شد.

بنا به شکایت «سرویس امنیت دولتی» (جایگزین وزارت امنیت ملی منحل شده جمهوری آذربایجان)، املاک این مقام پیشین امنیتی جمهوری آذربایجان به ارزش ۳۳ میلیون منات مصادره خواهد شد.

## حکم بازداشت وزیر خزانه‌داری پاکستان صادر شد

دادگاه مبارزه با فساد پاکستان امروز دوشنبه حکم بازداشت «اسحاق دار» وزیر خزانه‌داری پاکستان، را صادر کرد. دلیل صدور حکم بازداشت اسحاق دار، حضور نیافتن وی در جلسه استماعی است که برای بررسی پرونده

---

۱. <https://tnews.ir/news/852c97728741.html>

مرتبط با اتهامات «نواز شریف» برگزار شده بود. پیگیری‌های پرونده فساد اقتصادی نواز شریف موسوم به «پاناما لیکس» وارد مراحل جدیدی شده و برخی از چهره‌های سیاسی پاکستان از احتمال صدور حکم بازداشت نواز شریف سخن می‌گویند.

اسحاق دار هم‌اکنون در لندن بوده و تحت درمان قرار دارد. این درحالی است که در شهر یورماه سال جاری نیز سازمان بازرسی ملی پاکستان، حکم بازداشت اسحاق دار را صادر کرده بود.

### بازداشت گسترده شاهزاده‌های سعودی به اتهام فساد<sup>۱</sup>

تنها چند ساعت پس از تشکیل کمیته مبارزه با فساد به دستور "سلمان بن عبدالعزيز" پادشاه عربستان، این کمیته دستور بازداشت ۱۱ شاهزاده را صادر کرد. حساب کاربری «اخبار السعودیه» (نزدیک به حکومت ریاض) تأکید کرد، شاهزاده «متعب بن عبدالله» وزیر برکنار شده گارد ملی، شاهزاده «ولید بن طلال»، شاهزاده «ترکی بن عبدالله بن عبدالعزيز» حاکم سابق ریاض جزو افرادی هستند که دستور بازداشتشان صادر شده است.



1. <https://tnews.ir/news/d7cc98088537.html>

کمیته مبارزه با فساد همچنین حکم بازداشت ۴ وزیر کنونی و ده‌ها وزیر سابق (گفته می‌شود شمارشان ۳ نفر است) و برخی مسئولان سابق دولتی را صادر کرده است. منابع رسانه‌ای همچنین از بازداشت «خالد التویجری» مدیر سابق دربار پادشاهی و «صالح کامل» و پسرش از تجار معروف و نیز «ولید الابرهمیم» رئیس گروه «ام‌بی‌سی» و «بکر بن لادن» خبر داده‌اند.

طبق بیانیه صادرشده توسط دیوان پادشاهی عربستان سعودی، که خبرگزاری رسمی این کشور (واس) آن را منتشر کرد، این کمیته قدرت صدور قرار بازداشت و ممنوع‌الخروج کردن متهمان را دارد.

بن سلمان، ولیعهد جوان عربستان سعودی که موج جدیدی از اصلاحات در این کشور را به اجرا گذاشته است، چندی پیش تأکید کرده بود که بازگشت کشورش به «اسلام میانه‌رو» رمزگذار کشورش به مدرنیسم است. هم‌زمان ناظران مسائل عربستان اقدامات اصلاحی این شاهزاده جوان را در راستای تحکیم پایه‌های قدرت خودش ارزیابی می‌کنند.

## جریمه ۷۸ هزار دلاری رئیس مجلس افغانستان/وظیفه رئیس دبیرخانه مجلس به تعلیق درآمد<sup>۱</sup>

کمیسیون بررسی فساد اداری در مجلس افغانستان سرانجام نتایج خود را با محکومیت تعدادی از نمایندگان به‌ویژه رئیس این مجلس اعلام کرد. براساس نتایج این کمیسیون وظیفه‌ی، «خدای نظرنصرت» به‌عنوان رئیس دبیرخانه مجلس افغانستان به تعلیق درآمد و «عبدالرئوف ابراهیمی» رئیس این مجلس نیز به ۷۸ هزار دلار جریمه محکوم شده است. همچنین "همایون همایون" معاون اول مجلس افغانستان و "لالی حمید زی" و

1 . <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/08/13/1564614>

"عبداللہ بارکزی" نیز از ۱۰ تا ۱۷ روز به محرومیت از نشست‌های این مجلس محکوم شدند. این تصمیم‌ها پس از جنجال بین اعضای مجلس افغانستان و نتایج کمیسیون حقیقت‌یاب از سوی نمایندگان تأیید شد. عرفان الله عرفان رئیس کمیسیون حقیقت‌یاب بررسی فساد اداری در مجلس افغانستان «خدای نظر نصرت» رئیس دبیرخانه مجلس افغانستان را به دلیل فساد اداری و استخدام‌های غیرقانونی به دادستانی کل معرفی کرد.

رئیس کمیسیون حقیقت‌یاب اظهار داشت: عبدالرئوف ابراهیمی رئیس مجلس نیز باید ۷۸ هزار دلار (۵,۳ میلیون افغانی) را به این مجلس بپردازد. عرفان افزود: این کمیسیون پیشنهاد می‌کند که همایون همایون و عبیدالله بارکزی، برای ۱ روز و لالی حمید زی تا ۱۷ روز از حضور در مجلس محروم شوند.

همایون به دلیل وارد شدن بدون اجازه به بخش رسانه‌ای مجلس، بارکزی نیز به دلیل حمله به همایون، و لالی حمید زی نیز به دلیل ورود غیرقانونی به بخش رسانه مجلس و حمله به «گل پادشا مجیدی» محروم خواهند شد.

### هزینه سالانه رشوه‌خواری برای کویت<sup>۱</sup>

صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد: براساس مطالعات صورت گرفته، رشوه‌خواری در کویت سالانه ۲ میلیارد دلار برای این کشور هزینه دربر دارد.

همچنین صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد: براساس مطالعات صورت گرفته حجم پرداخت رشوه در کویت سالانه ۲ میلیارد دلار معادل ۲ درصد کل تولید ناخالص داخلی این کشور برای کویتی‌ها هزینه دربر دارد.

در این گزارش آمده است: حجم خسارت و فسادى که از طریق پرداخت رشوه در کویت ایجاد می‌شود سالانه ۲ میلیارد دلار برآورد شده و این امکان وجود دارد که حجم آن با توجه به قراردادهای نفتی این کشور افزایش یابد.

بنا به این گزارش حجم فساد ناشی از رشوه می‌تواند به بیش از ۲۵ درصد از کل قراردادهای دولتی سالانه کویت برسد. رتبه کویت در میان کشورهای جهان از نظر شفافیت اقتصادی سال گذشته میلادی نسبت به سال ۲۰۱۶ با ۲۰ پله سقوط از ۵۵ به ۷۵ کاهش یافت که بدترین عملکرد در میان کشورهای حوزه خلیج فارس بوده است.

## دادگاهی در بنگلادش حکم بازداشت 'خالده ضیا' را به اتهام فساد صادر کرد<sup>۱</sup>

حکم بازداشت "خالده ضیا" نخست وزیر پیشین و رئیس حزب مخالف دولت بنگلادش از سوی دو شعبه دادگاه به اتهام فساد اقتصادی و افترا صادر شد.

دادستان کل داکا در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار کرد صدور این احکام به علت حاضر نشدن "خالده ضیا" در دادگاه برای پاسخگویی به اتهامات افترا و فساد اقتصادی صادر شده است.





صدور حکم بازداشت خالده ضیاء توسط دادگاه یک هفته پس از آغاز سرکوب احزاب مخالف و بازداشت رهبران و حامیان حزب ملی‌گرایی بنگلادش به ریاست خالده ضیاء آغاز شده است. پلیس بنگلادش همچنین در هفته جاری تعدادی از رهبران حزب جماعت اسلامی، بزرگ‌ترین حزب اسلامی این کشور را بازداشت کرد.

جماعت اسلامی در اعتراض به این اقدام در نظر دارد یک اعتصاب سراسری در بنگلادش برگزار کند. کارشناسان سیاسی معتقدند دولت بنگلادش با این اقدامات می‌خواهد بر انتخابات عمومی که سال آینده برگزار می‌شود، تأثیر بگذارد.

# تبیین مفهوم اراده‌ی سیاسی برای برخورد با فساد<sup>۱</sup>



---

1 . [www.u4.no/publications/unpacking-the-concept-of-political-will-to-confront-corruption](http://www.u4.no/publications/unpacking-the-concept-of-political-will-to-confront-corruption)

در بسیاری از موارد «نبود اراده‌ی سیاسی» به عنوان عامل اصلی اجرای نادرست برنامه‌های مبارزه با فساد شناخته شده است. با این وجود، به رغم آنکه این موضوع در بیشتر اوقات توجیهی برای نتایج نامطلوب اصلاحات بوده است، اما هنوز تعریف دقیقی از مفهوم «اراده‌ی سیاسی» ارائه نشده و درک درستی از آن وجود ندارد. به علاوه، ارزیابی‌های انجام شده نیز اکثراً با نگاه به گذشته و با در نظر گرفتن برنامه‌های ناموفق صورت گرفته‌اند. با به کارگیری الگویی از اراده‌ی سیاسی، که مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مبتنی بر اقدامات انجام شده‌ای باشد که قابل مشاهده و سنجه پذیر بوده، همچنین نسبت به تقویت و تأیید بیرونی نیز قابل بررسی و آزمون پذیر باشد، می توان به شفافیت بیشتری از میزان اراده‌ی سیاسی دست یافت.

### تعریف اراده‌ی سیاسی

اراده‌ی سیاسی، بنا به چندین دلیل، مفهومی پیچیده است. نخست آنکه شامل قصد و انگیزه می شود، که پدیده‌هایی ذاتاً ناملموس و مبهم‌اند؛ و به سختی می توان ارزیابی درست و دقیقی از آن‌ها به عمل آورد؛ همچنین، به شدت در خطر سوءاستفاده و اشتباه و برداشت غلط قرار دارند. دوم اینکه، اراده‌ی سیاسی هم در سطح فردی وجود دارد و هم در لایه‌ی جمعی. این مفهوم برای افراد به صورت ویژگی‌های شخصی‌شان درک می شود و بازتاب دهنده‌ی ارزش‌ها، اولویت‌ها و تمایلاتشان است. فراتر رفتن این مفهوم از سطح فردی منجر به پیچیدگی‌های بیشتری می شود. سوم، گرچه می توان اراده‌ی سیاسی را در قالب گفتار یا نوشتار (به صورت انواع سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، اسناد قانونی و غیره) بیان کرد، اما بروز و تحقق آن تنها در عمل صورت می گیرد. تعریف کوتاه و مختصر اراده‌ی سیاسی عبارت است از: «تعهد کنشگران به انجام اقدامات و کنش‌هایی برای دستیابی به مجموعه‌ای از اهداف – که در این مورد به خصوص، کاهش فساد است – و نیز تحمل هزینه‌ی ناشی از کنش‌های مزبور در طول زمان. در بخش‌های بعدی این متن، به طور مشخص گفته خواهد شد که

این اقدامات چگونه تجزیه و تحلیل می‌شوند تا در نهایت تصویر واضح‌تری از اراده‌ی سیاسی ترسیم شود؛ همچنین خواهیم دید که چگونه می‌توان آن را ارزیابی کرد؛ و در آخر نیز گزینه‌هایی برای تقویت اراده‌ی سیاسی پیشنهاد خواهد شد.

## اراده و توانایی (وجود ندارد)؟

تبیین اراده‌ی سیاسی توأم با دو چالش مرتبط است. نخستین چالش تعیین مبنایی معتبر است، که بتوان با در نظر گرفتن آن، وجود اراده‌ی سیاسی را استنتاج کرد. چالش دوم نیز شناخت تمایز بین اراده و ظرفیت است.

تا جایی که به موضوع مشاهده مربوط می‌شود، جستجوی نشانه‌های اراده‌ی سیاسی اغلب با تمرکز بر سخنرانی‌ها و دیگر بیانی‌های عمومی مقامات رسمی، تصویب قوانین ملی، و/یا انعقاد قراردادها و معاهدات بین‌المللی (مانند توافق‌نامه‌ی بین‌المللی سازمان ملل علیه فساد یا UNCAC) آغاز می‌شود. این چنین اعلامیه و اظهارنظرهایی، به‌تنهایی و بدون نوعی اقدام واقعی، نمی‌تواند نشانه‌ی محکمی از وجود اراده‌ی سیاسی باشد. بی‌عملی معمولاً به‌عنوان نشانه‌ای از نبود اراده‌ی سیاسی تلقی می‌شود. برای نمونه، ناکامی در تصویب قوانین، اعمال تحریم، یا تعقیب و پیگیری موارد فساد در دادگاه‌ها، همگی، به‌عنوان نشانه‌های منفی اراده‌ی سیاسی در نظر گرفته می‌شوند. البته تأکید بر این دسته نشانه‌ها نیز تا حدودی مشکل‌آفرین است، چراکه ممکن است در اثر عوامل گوناگونی، غیر از کمبود انگیزه یا اولویت‌بندی ضعیف، به وجود آمده باشند. دلالی چون ظرفیت کم، رقابت‌های سیاسی و نهادی و غیره نیز می‌توانند منجر به بروز چنین نشانه‌هایی شده باشند.

برخی از تحلیلگران، برای یافتن نشانه‌های مثبت از وجود اراده‌ی سیاسی و به‌عنوان نمود ملموس عزم سیاسی، به هزینه‌هایی توجه می‌کنند که برای عموم صرف می‌شود؛ این امر بازتابی از جمله‌ی معروف جوزف شومپیتر اقتصاددان است که می‌گوید: «بودجه‌ی هر کشور اسکلت دولت

آن و فارغ از تمام ایدئولوژی‌های گمراه‌کننده است.» اندرسون و همکاران (۲۰۰۵) نیز، برای نمونه، ملاک‌هایی را پیشنهاد می‌کنند تا بتوان آنچه اراده برای کاهش فقر می‌خوانند را تشخیص داد؛ این ملاک و نشانه‌ها شامل هزینه‌های عمومی برای حمایت از فقرا، نرخ ایمن‌سازی‌ها، و غیره‌اند. این قبیل ملاک‌ها دیدگاه گسترده‌ای نسبت به اولویت‌های سیاسی و ظرفیت (به مفهوم دسترسی به منابع) فراهم می‌آورند، اما در تشخیص پیچیدگی‌های اراده‌ی سیاسی کمک چندانی نمی‌کنند.

چندان که از عبارت آشنای «مصمم و توانمند» نیز برمی‌آید، اراده و ظرفیت ارتباط نزدیکی دارند. موریزی و ورشور (۲۰۰۶) خاطرنشان می‌کنند ارزیابی‌های تصمیم‌سازان کشور از ظرفیتشان برای اجرای اصلاحات، بر میزان اراده‌ی آن‌ها برای پذیرفتن تعهدات بعدی مؤثر است. بنابراین، آنچه ممکن است به نظر خارجی‌ها نبود اراده‌ی سیاسی تلقی شود، می‌تواند مربوط به ظرفیت ناکافی باشد. اساس محاسبه‌ی سیاسی بر این است که «اگر مطمئن نیستیم ابزار کافی برای پیش رفتن را داریم، بهترین کار این است که هیچ کاری نکنیم.» ممکن است آن دسته از برنامه‌های مبارزه با فساد که نیاز به مهارت، سازوکار، روند و منابع جدید دارند، درجایی که اصلاح‌طلبان اطمینانی به برخورداری از ظرفیت کافی برای اقدام ندارند، سبب تأخیر در ایجاد اراده‌ی سیاسی شوند. این‌گونه اصلاحات سیاسی مستلزم مدیریت راهبردی ظرفیت‌ها، ورای ظرفیت‌های لازم برای اجرای مجزای پروژه‌اند (برینکرهوف و کورسی ۲۰۰۲، کالینز و هیگینز ۲۰۰۰). تشکیل هم‌پیمانی‌های بینا بخشی برای حمایت از ساخت مجموعه‌ای مهم از مقامات رسمی، گروه‌های اجتماعی مدنی، و تشکلات و شرکت‌های خصوصی (جانسون و کپونده ۲۰۰۲) گام مهمی برای پیگیری اصلاحات در مبارزه‌ی پایدار با فسادند. کادر صفحه‌ی ۲ خلاصه‌ای ساده از ظرفیت اصلاحات سیاسی را نشان می‌دهد که ارتباطشان با اراده‌ی سیاسی در الگوی ذیل نیز ارائه شده است.

## محیط مناسب برای اراده‌ی سیاسی و ظرفیت مبارزه با فساد

اراده و توانایی بازیگران سیاسی برای مبارزه با فساد از محیط اجتماعی-سیاسی و دیوانسالاری‌ای تأثیر می‌پذیرد که در آن مشغول به فعالیت‌اند. هر یک از سه ظرفیت مدیریت اصلاحات که در کادر (۱) آمده‌اند موضوع محدودیت‌های محیطی‌اند. اندروز (۲۰۰۸) پیرامون بروز اراده‌ی سیاسی به‌عنوان کارکرد میزان دسترسی اصلاح‌طلبان به فضای لازم برای اصلاحات و مقدار توانایی‌شان در ایجاد چنین فضایی سخن می‌گوید. مالنا (۲۰۰۹) نیز در باب چگونگی تأثیرپذیری اراده‌ی سیاسی، از آنچه «توان» سیاسی و «باید» سیاسی می‌خواند، صحبت کرده است. وی «توان» را برابر با ظرفیت دانسته و «باید» سیاسی را فشار عمومی، مشارکت شهروندی، قوانین و قواعد سازمانی و برداشت شخصی از وظیفه‌ی مدنی معنا می‌کند. توانایی ایجاد فضا و فراهم آوردن «باید» سیاسی به محیط مناسب و مثبت بستگی دارد.

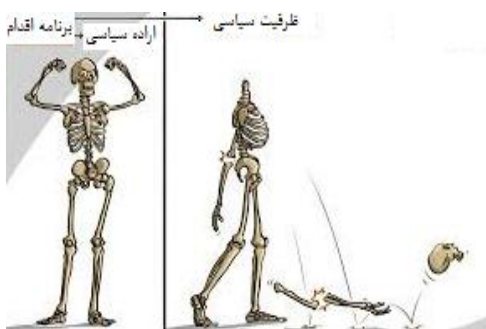
خلاصه‌ی مضمون ظرفیت‌های مدیریت راهبردی شامل توانایی (۱) نگاه به بیرون، (۲) نگاه به درون، و (۳) نگاه به جلو می‌شود.

**نگاه به بیرون:** طرفداران اصلاح باید تمرکزشان را به بیرون از مرزهای بنگاه‌های متبوع شخصی‌شان گسترش دهند، به عبارتی، باید بیشتر بدانند که در «بیرون» چه کسانی و چه چیزهایی وجود دارد و بدانند چطور نسبت به هر یک واکنش مناسب نشان دهند. این امر مستلزم شناختن سهامداران اصلی، ایجاد فضای مناسب برای گفتگو و مشارکت، هماهنگی امور مشترک، تعیین اهداف دست‌یافتنی، ایجاد حوزه‌های انتخاباتی لازم برای تغییر و حل مناقشات است.

**نگاه به درون:** ساختار، نظام و روندهای داخلی لازم و کارا اهمیت زیادی در رسیدن به نتایج موردنظر دارند. راه‌های مؤثر و کافی برای طراحی و اجرای برنامه‌ها؛ ایجاد و مدیریت سازمان‌ها؛ اداره و انگیزه‌بخشی به کارکنان؛ و توزیع، رصد و مسئولیت‌پذیری در قبال منابع مالی و غیرمالی نقش عمده‌ای در ایجاد این ظرفیت بر عهده دارند.

**نگاه به جلو:** سومین مقوله از ظرفیت‌ها با تجميع راهبرد، ساختار و منابع برای دستیابی به اهداف اصلاح‌طلبانه مرتبط است. این همان ظرفیت است که قرار است پیش‌بینانه عمل کند، کنشگر و پویا باشد، و رصد و تنظیم کند. این ظرفیت تا قابلیت‌های ناملموسی چون رهبری و بصیرت نیز کشیده می‌شود.  
(منبع: برگرفته از برینکرهاوف و کروسبی [۲۰۰۲])

اصلی‌ترین عامل فراهم‌کننده‌ی محیط کیفیت مدیریت دولت است. بدون برخورداری از دست‌کم برخی ساختارها و روندهای دولتی که شاخه‌های گوناگون دولت را مهار و بین آن‌ها توازن برقرار کند، همچنین شهروندان را قادر به بیان ملاحظاتشان سازد و مسئولان را تا حدودی به پاسخگویی وادارد، مواجهه‌ی اراده‌ی سیاسی با فساد و نیز توان پیگیری اصلاحات ضعیف و کمرنگ خواهد شد. حکومت دولتی خوب اغلب با دموکراسی شناخته می‌شود. البته تمام دموکراسی‌ها به یک اندازه دموکراتیک نیستند، کشورهایی که نام دموکراسی بر خود دارند به نسبت میزان رعایت اصول مطلوب دموکراسی در مهار، توازن یا مسئولیت‌پذیری توسط دولتشان با یکدیگر تفاوت دارند. در این دست نظام‌های سیاسی - که کولیر و لویتسکی (۱۹۹۷) با عنوان «دموکراسی با صفت‌های ویژه» از آن‌ها یاد کرده و زکریا (۱۹۹۷) «دموکراسی غیر لیبرال» می‌خواندشان - حکومت و اداره‌ی دولت شباهتی به حمایت از اراده‌ی سیاسی برای مبارزه با فساد ندارد. بنابراین مهم است از فرضیاتی اجتناب شود که بر مبنای آن‌ها گفته می‌شود دولت‌هایی که در ظاهر دموکراسی هستند به‌طور خودکار محیط پرورش و رشد اصلاحات مبتنی بر مبارزه با فساد و اراده‌ی سیاسی برای پیگیری آن را فراهم می‌آورند.



اداره‌ی ضعیف دولت اغلب بافرهنگ مصونیت از مجازات آمیخته است. به عبارتی، وقتی مقامات دولتی الزام ناچیزی برای پاسخگو بودن در برابر شهروندان احساس می‌کنند و شهروندان نیز انتظار کمی از رهبران دولتی منتخبشان برای پاسخگو بودن و مسئولیت‌پذیری دارند. این چنین شرایطی منجر به تقویت تک قطبی‌گرایی در قدرت می‌شود که به نوبه‌ی خود اجرای مهار و توازن نهادینه‌شده را تحلیل برده، فضایی ایجاد می‌کند که اقدامات فساد انگیز و مخرب در آن تحمل می‌شود. در چنین جوّی، مسئولان و مقامات دولتی فشاری برای تغییر رفتار احساس نمی‌کنند. قدرت منافع اعطاشده همچنان زیاد باقی می‌ماند و درعین حال، اصلاح-خواهان نیز تمایل کمی خواهند داشت تا با تشکیل هم‌پیمانی به مشکلات ناشی از فساد رسیدگی کنند. علاوه بر این، مدیریت ضعیف دولت مانع از پیدایش جامعه‌ی مدنی قوی می‌شود و قدرت شهروندانی را تضعیف می‌کند که بالقوه می‌توانند خواهان [طراحی و اجرای] برنامه‌ها و سیاست‌هایی علیه فساد باشند.

بنابراین، اراده‌ی سیاسی برای رسیدگی به فساد و ظرفیت‌های مربوطه، برای حرکت از تصمیم به سمت کنش، به محیط دولتی و حکومتی‌ای وابسته است که انگیزه، قدرت و فضای عمل را فراهم می‌کند. درحالی‌که ممکن است این موضوع توضیح اضافه به نظر آید -مبارزه با فساد منوط به وجود حکومت خوبی است که با مشخصه‌ی نبود فساد در آن شناخته



می‌شود- اما در هر حال نیاز به فضای کافی برای آغاز برخی کنش‌ها وجود دارد که خواه به صورت شروع گفتگوی عمومی و بحث بر سر موضوع فساد مشاهده می‌شود، یا به شکل برنامه‌های اصلاحاتی بلندپروازانه‌تر. از آنجایی که رابطه‌ی محیط مناسب و اراده‌ی سیاسی و ظرفیت همواره به یک شکل نیست، موفقیت در انجام اصلاحات، در برخی موارد، می‌تواند با اداره‌ی بهتر دولت، جامعه‌ی مدنی قوی‌تر، و قطع منافع اعطایی و نابودی شبکه‌های حمایتی همراه باشد.

به دلیل ملاحظات جهانی در مورد فساد، محیط مناسبی که بتواند اراده‌ی سیاسی را تقویت کند، ورای مرزهای ملی و تا سطح فراملیتی نیز گسترده شده است. محیط حکومتی جهانی برای مبارزه با فساد پر است از همکاری‌های بالقوه در زمینه‌ی اراده‌ی سیاسی. این موارد شامل طیفی از معاهدات و روندهای بین‌المللی خارج از UNCIC است که «اقدام شفافیت صنایع استخراجی»، «کمپین حقوق را فاش کن» و «شاخص درک فساد سالانه‌ی شفافیت بین‌المللی» تنها نمونه‌هایی از آن است. قدرت انگیزانندگی این اقدامات و ابتکارات ناشی از تأثیرشان بر سرمایه‌گذاری تجاری و تخصیص کمک‌های خارجی، به علاوه‌ی شهرت است (به عبارتی، هیچ رهبر ملی نمی‌خواهد کشورش در انتهای فهرست شفافیت بین‌الملل و در بین کشورهایی با بالاترین میزان فساد باشد). اعطاکنندگان کمک‌های مالی نیز به نوبه‌ی خود به دنبال ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و تحقق اهداف مبارزه با فساد از طریق ایجاد اصلاحات در ماهیت کمک‌های بین‌المللی‌اند، از جمله به صورت توافق بر سر واکنش هماهنگ نسبت به اداره‌ی ضعیف دولت، یا اقدام به الزام اعلام شرایط مالی پیش از تصدی مناصب، یا رویکردهای مبتنی بر کمک توسعه-محور. برای نمونه، کمک به صورت «پرداخت در محل» باهدف افزایش میزان شفافیت و برای تشویق رهبران کشورها پس از دستیابی به اهداف اجرایی (بردسال و ساودوف ۲۰۱۰) در پیش گرفته شد. چنین رویکردهایی می‌توانند، با مجهز

کردن بازیگران سیاسی کشورها به منابع و انگیزه بخشی برای پاسخگو بودن به شهروندان از طریق ارائه‌ی نتایج ملموس، منجر به ایجاد اراده‌ی سیاسی شوند.

## ساختار شکنی اراده‌ی سیاسی فراهم آورنده‌ی امکان تشخیص و ارزیابی

با تجزیه اراده‌ی سیاسی به اجزای معنادار و سنجه پذیر تصویر روشن تری از آن پدیدار خواهد شد. بنا به نوشته‌های قدیمی تر نویسنده (برینکرهاوف ۲۰۰۷ و ۲۰۰۰، برینکرهاوف و کورسبی ۲۰۰۲) و با تأیید آن به وسیله‌ی تحلیل طرح و اجرای سیاست حامی فقرا (اندرسون و همکاران ۲۰۰۵، موریسوری و ورشور ۲۰۰۶) اراده‌ی سیاسی را می توان به هفت جزء تقسیم بندی کرد:

### ۱ - اقدام دولت: در این جزء به منشأ انگیزه برای انتخاب سیاست

یا برنامه‌ی ویژه در مبارزه با فساد اهمیت داده می شود. زمانی که فشار برای تغییر کاملاً از جانب بازیگران سیاسی خارجی اعمال می شود، اراده‌ی سیاسی مورد تردید است. مراتبی از اقدامات باید از سوی تصمیم سازان کشور مشاهده شده باشد تا بتوان بحث معنی داری در مورد اراده‌ی سیاسی داشت.

### ۲ - گزینش سیاست/ برنامه مبتنی بر ملاحظات به لحاظ فنی

درست و متعادل؛ و تحلیل گزینه ها و نتایج مورد انتظار؛ و هزینه/ فایده: زمانی که بازیگران سیاسی کشور بر مبنای ارزیابی هایشان از منافع احتمالی، پیشنهادهای و گزینه های دیگر، و هزینه های تحمیل شده اقدام به گزینش سیاست و اقداماتی برای مبارزه با فساد می کنند، می توان بحث معتبری در مورد تمایل و ترجیح مستقل آن ها برای اقدام آغاز کرد.

۳ - بسیج ذی نفعان: موارد حائز اهمیت در این جزء عبارت‌اند از میزان مشاوره، مشارکت دادن و بسیج ذی نفعان توسط بازیگران دولتی. این تصمیم سازان به اعضای جامعه‌ی مدنی و بخش خصوصی رسیدگی لازم را می‌کنند تا حمایت آن‌ها را نسبت به تغییراتی که در نظر دارند جلب کنند؟ این قانون‌گذاران مشارکت داده می‌شوند؟ این تلاش مداومی برای ایجاد حوزه‌های انتخاباتی حامی برنامه‌ها و سیاست‌های مبارزه با فساد در جریان است؟

۴ - تعهد همگانی و تخصیص منابع: به همان اندازه‌ای که تصمیم‌سازان کشور ترجیحات سیاسی و منابع اختصاص داده‌شده برای دستیابی به اهداف مقرر در برنامه‌ها و سیاست‌های اعلام‌شده را بیشتر آشکار و روشن کنند، به همان اندازه نیز در ارزیابی مثبت اراده‌ی سیاسی تأثیر خواهند داشت.

۵ - به کارگیری مجازات معتبر: بدون مجازات، نمی‌توان فساد را کاهش داد. مجازات دقیق و الزام‌آور، به هر دو صورت مثبت و منفی، نشانه‌ی تصمیم جدی برای رسیدگی به فساد است و الزامات گزینشی و/یا نمادین نیز نشانه‌ی اراده‌ی سیاسی ضعیف است.

۶ - استمرار تلاش: مبارزه با فساد نیازمند منابع و تلاش مداوم در بلندمدت است. تلاش‌های مقطعی یا اتفاقی نشان‌دهنده‌ی ضعف و/یا تردید در اراده‌ی سیاسی است.

۷ - یادگیری و سازگاری: اراده‌ی سیاسی زمانی مشاهده می‌شود که بازیگران سیاسی کشور فرایندی برای ردگیری سیر پیشرفت برنامه‌ها و سیاست‌های مبارزه با فساد را مشخص کرده باشند و اجرای اصلاحات را با سازگار کردن این برنامه‌ها نسبت به شرایط جدید به صورت فعال مدیریت کنند. سیاست‌گذاران

همچنین می‌توانند با استفاده از یادگیری به مشاهده‌ی سیاست‌ها، تجربیات و برنامه‌های دیگر کشورها پردازند و به‌صورت گزینشی مواردی را از میان آن‌ها برای استفاده انتخاب کنند.

سنجش دقیق هر یک از این هفت جزء به بروز قوی‌ترین نمود اراده‌ی سیاسی منجر می‌شود. اختلاف در نتایج سنجش این اجزا نیز امکان ارزیابی ویژه‌ی هر شرایطی را به جزئیات فراهم می‌آورد و اجازه می‌دهد اراده‌ی سیاسی، با در نظر گرفتن جزئی‌ترین ملاحظات، از ضعیف به قوی درجه‌بندی شود. فرض اینکه اراده‌ی سیاسی متغیری دو وجهی [و صفر و یکی] باشد، چندان مفید نیست (بله، هست؛ یا خیر، نیست)؛ در عوض، باید این مفهوم را برحسب درجات نسبی هست/ نیست ارزیابی کرد، یا برحسب اینکه این مثبت است یا منفی. در برخی شرایط ممکن است بعضی بازیگران سیاسی انگیزه‌ای برای به تأخیر انداختن یا تضعیف فعالانه‌ی اصلاحات ضدفساد داشته باشند. در این صورت می‌توان از چنین ارزیابی برای این بازیگران سیاسی خاص، بین طبقه‌بندی‌های مختلف انواع بازیگران سیاسی، یا سنجشی بین برنامه‌ها و سیاست‌های ضدفساد استفاده کرد. این هفت جزء، همچنین، اشاره به شرایطی دارند که اعطاکنندگان کمک‌های مالی می‌توانند هدف مشخصی را برای حمایت از اراده‌ی سیاسی تعیین کنند.

### تقویت اراده‌ی سیاسی برای برخورد با فساد

سرچشمه‌ی انگیزه برای به حرکت درآوردن کشور به سمت مبارزه با فساد در بیشتر موارد از سطوح بالای نظام سیاسی کشورها آغاز می‌شود که اغلب در قالب چهره‌های برجسته‌ی مملکت‌اند. نمونه‌های شناخته‌شده‌ی این زمینه عبارت‌اند از پل کاگامه، رئیس‌جمهور فعلی رواندا؛ لی کوان یو، نخست‌وزیر سنگاپور در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۵۹؛ بنجامین ماکپا،

رئیس‌جمهور تانزانیا از ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵؛ و رونالد مک‌لین-آباروا، شهردار سابق لاپاز، بولیوی.

به هر حال، نکته‌ی حائز اهمیت این است که توجه داشته باشیم اراده‌ی سیاسی صرفاً در جهت جریان بالا به پایین نیست. منابع پایین به بالا نیز وجود دارند. در برخی موارد، این منابع را می‌توان «بوروکرات‌های سطح خیابان» نامید که عبارت‌اند از مقامات دولتی ادارات که در صف اول جبهه‌ی ارائه‌ی خدمات به مردم ایستاده‌اند و تعهد عمیقی به نظارت، بازدارندگی، و افشای ائتلاف منابع عمومی، انواع تقلب و سوءاستفاده احساس می‌کنند. در موارد دیگر، افرادی‌اند که، در خارج از بدنه‌ی دولت، در قالب گروه‌های شهروندی، سازمان‌های جامعه‌ی مدنی، و بخش خصوصی قرار دارند. عزم و اراده‌ی این بازیگران اجتماعی برای برخورد با موضوعات مرتبط با فساد، یا مشارکت در افشاسازی آن‌ها، برای بیان نگرانی‌ها و تقاضاهای مربوطه، و نیز برای اعمال فشار به مقامات رسمی نیز عامل شناخته‌شده‌ی عمده‌ای در این زمینه است.

درس‌هایی که از اجرای اصلاحات گرفته‌شده بستری عملی فراهم می‌کند تا بتوان تشخیص داد اعطاکنندگان کمک‌های مالی، کی و کجا، می‌توانند حمایتشان را بر تقویت اراده‌ی سیاسی متمرکز کنند. در جدول زیر، برخی پیشنهادها به تصویر کشیده شده که نشان می‌دهد تلاش نوعی برای اصلاحات چگونه از اجزای هفت‌گانه‌ی اراده‌ی سیاسی پشتیبانی می‌کند.

به سرعت می‌توان تشخیص داد که بسیاری از اقدامات پیشنهادی باعث مداخلاتی می‌شوند که بخش یا جزئی از برنامه‌های مبارزه با فساد و سیاست‌های دولتی‌اند. در حال حاضر سازمان‌های بین‌المللی از موارد زیادی از این دست مداخلات حمایت می‌کنند، اما در این جدول نیز نشان داده شده است که این برنامه‌های ابتکاری در چه مواردی ممکن است با اجزای اراده‌ی سیاسی مرتبط شوند. از این رو، سازمان‌های بین‌المللی، در

برنامه‌ریزی برای اقدام به حمایت از تلاش‌های کشوری که قصد مبارزه با فساد دارد، می‌تواند انواع مداخلات ممکن را از لحاظ احتمالی که برای قابلیت ایجاد عناصر حیاتی اراده‌ی سیاسی دارند ارزیابی کنند. البته ممکن است این برنامه‌ها از سوی بخش یا نهاد عامل دچار تغییراتی شوند. اراده سیاسی به هیچ وجه ایستا نیست و با نیاز به رویکردهای منظم و منعطف، همواره در طول زمان تغییر می‌کند. این تحلیل همچنین اهمیت ارزیابی اصلاحات مبتنی بر مبارزه با فساد را به صورت کل گرایانه نشان می‌دهد تا تضمین شود که در هر مورد عملی‌ترین و مناسب‌ترین نوع اصلاحات در پیش گرفته می‌شود. به علاوه، سازمان‌های بین‌المللی نیز با این چالش مواجه‌اند که نتایج چنین دیدگاهی را با نیازهایی تنظیم نمایند که از خلال ارزیابی دیگر موارد مشخص شده‌اند (برای نمونه، با ارزیابی خود دولت‌ها که در ارتباط با UNCIC انجام گرفته است).

سازمان‌های بین‌المللی که کارشان را با تعیین نقطه‌ی اقدام به اصلاح امور آغاز کرده‌اند، می‌توانند ادامه کار را با انتخاب همکاری با آن دسته از بازیگران سیاسی پیش برند که از قبل نشانه‌هایی از تصمیم برای مبارزه با فساد از آن‌ها مشاهده شده است، و یا می‌توانند در پی ایجاد مالکیت بومی اقدامات بین‌المللی باشند. ایده‌ی اصلی در این رابطه آن است که مبارزان بومی کشور شناسایی و حمایت شوند تا رهبری روند پیگیری اصلاح امور را به عهده گیرند. اراده‌ی سیاسی با حرکت آن دسته از طرفداران داخلی موضوع در کشور آغاز می‌شود که اولویت زیادی برای مبارزه با فساد قائل‌اند.

| گزینه‌های گویا برای سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های جامعه مدنی                                                     |                                                                                                                                                                                                        | عنصر اراده سیاسی                                                                                                   |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| پایین به بالا، تقاضامحور                                                                                              | بالا به پایین، جانب عرضه                                                                                                                                                                               |                                                                                                                    |
| شناخت و حمایت از ناظران و رسانه‌های جامعه‌ی مدنی                                                                      | شناخت و حمایت از مقامات رسمی که نسبت به اصلاحات ضد فساد متعهدند                                                                                                                                        | اقدام دولت                                                                                                         |
| فراهم آوردن کمک فنی برای مطالعات سنجش رضایت‌مندی شهروندان، شامل خدمات حمل‌ونقل عمومی                                  | فراهم آوردن کمک فنی برای تحلیل سیاست ضد فساد، فرمول‌بندی، تعیین اولویت‌ها، طرح برنامه، و تحلیل هزینه‌های فساد                                                                                          | گزینش سیاست/برنامه مبتنی بر ملاحظات به لحاظ فنی درست و متعادل؛ و تحلیل گزینه‌ها و نتایج مورد انتظار؛ و هزینه/فایده |
| حمایت از تلاش جامعه‌ی مدنی برای ایجاد حوزه انتخابی و هم‌پیمانی‌های طرفدار تشویق مشارکت بخش خصوصی - مقامات امنیت عمومی | حمایت از کمپین‌های تحصیلات و آموزش عمومی، رسیدگی به گروه‌های مختلف شهروندان و بخش خصوصی حمایت از مدیریت مشارکتی دولت که شهروندان و مقامات دولتی را به هم نزدیک‌تر می‌کند                               | بسیج ذی‌نفعان                                                                                                      |
| حمایت از مقامات امنیت عمومی که سیستم ردیابی هزینه‌های عمومی و بودجه‌بندی‌های مشارکتی مشغول‌اند                        | حمایت از رویدادهای تشریفاتی که در آن‌ها مقامات اظهارات ضد فساد ایراد می‌کنند، مانند اینکه تعهداتی در مورد درستکاری کشور می‌دهند حمایت از فرایندهای بودجه‌بندی ملی/بخشی، در کنار ساختارهای بازرسی خارجی | تعهد همگانی و تخصیص منابع                                                                                          |
| پیشنهاد آموزش سازمان‌های نظارتی و خبرنگاری                                                                            | حمایت از قاعده‌ی اصلاح قوانین: آموزش بازرسان، وکلا و قضات                                                                                                                                              | به‌کارگیری مجازات معتبر                                                                                            |
| فراهم کردن کمک مالی به مقامات امنیت عمومی، تشویق رسانه‌ها برای عمومی‌سازی تلاش‌های ضدفساد موفق                        | فراهم آوردن پشتوانه‌ی مالی چندین ساله برای برنامه‌های مبارزه با فساد به‌کارگیری ابزار دیپلماتیک برای حمایت از اصلاحات در مواجهه با چالش‌ها حمایت از نهادینه‌سازی روابط مسئولانه                        | استمرار تلاش                                                                                                       |
| حمایت از مشارکت‌های فراملیتی جامعه‌ی مدنی، و همکاری جنوب جنوب                                                         | حمایت از رصد میزان پیشرفت، رصد تصمیم‌سازی بر مبنای شواهد و اسناد، و رصد پیشرفت برنامه‌ها حمایت از همکاری سازمانی                                                                                       | یادگیری و سازگاری                                                                                                  |

معمولاً سازمان‌های بین‌المللی اقدام به پیشنهاد کمک‌هایی می‌کنند که نزدیک‌ترین ارتباط را با دو جزء از اجزای هفت‌گانه‌ی اراده‌ی سیاسی داشته باشند: درستی و صحت فنی و درجه‌ی دقت تحلیلی در راهکارهای مبارزه با فساد؛ و کاربرد مجازات معتبر و الزام‌آور. در این رابطه، خطری که باید بدان توجه داشت این است که میل به پرداختن به جزئیات فنی راهکارها، به‌جای آمیزه‌ای از دقت فنی و قابلیت اجرای سیاسی، تبدیل به کار اصلی نشود، هراندازه که راهکارها و مجازات از خارج از کشور تعیین

و اعمال شوند، به همان میزان نیز کانون آغاز اقدامات در این زمینه از حیطه‌ی بازیگران داخلی دورتر شده، تأثیرات منفی بر اراده‌ی سیاسی و پذیرش و از خود دانستن آن خواهد داشت.

سازمان‌های بین‌المللی همچنین می‌توانند اقداماتی مرتبط با بسیج کردن ذی‌نفعان و تداوم تلاش‌ها را در پیش گیرند. می‌توان کمک‌هایی را در اختیار اصلاح‌طلبان، چه در داخل دولت و چه خارج از بدنه‌ی آن، قرار داد تا راهبردهای ایجاد هم‌پیمانی و بسیج کردن نیروها را گسترش داد و کمپین‌های تبلیغاتی طراحی کرد. لازم است سازمان‌های بین‌المللی نسبت به پیچیدگی انگیزه‌های مختلف اقدامات جمعی برای مبارزه با فساد بسیار حساس باشند. بارزترین انگیزه در این زمینه عبارت است از هدف بلندمدت مبتنی بر کاهش فساد که با منفعت‌های نهایی مانند دولت پاک دست، خدمات بهتر، و سرمایه‌گذاری اقتصادی بیشتر همراه است. چندان که جانسون و کپونده (۲۰۰۲) یادآور می‌شوند، اراده‌ی پیگیری این اهداف بلندمدت بستگی به انگیزه‌های کوتاه‌مدت‌تری دارد که به مقوله‌ی همبستگی اجتماعی مرتبطاند؛ ازجمله، اعتبار، تصدیق، کمک و حمایت دوجانبه (برای نمونه، این موضوع اهمیت دارد که، امنیت در تعداد بیشتر است، چراکه برخورد و مبارزه با فساد می‌تواند خطرناک باشد).

در رابطه با تداوم تلاش نیز، سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند وسیله‌ای برای فراهم آوردن منابع مالی‌ای باشند که امکان اقدام مستمر به تلاش برای مبارزه با فساد را پدید می‌آورد. عوامل کمک‌کننده همچنین می‌توانند از رصد و گزارش تلاش‌هایی پشتیبانی کنند که برای استمرار، یادگیری و سازگاری برنامه‌ها به کار گرفته می‌شود. از آنجایی که ممکن است رویدادهای سیاسی منجر به بروز تغییراتی در بازیگران عرصه‌ی مبارزه با فساد در کشور شوند و یا مقدار فضای عملکرد و اراده‌ی سیاسی‌شان را دگرگون کنند، مشارکت در استمرار تلاش در این زمینه ممکن است شامل بازنگری در حمایت سازمان‌های بین‌المللی در رابطه با دیگر اجزای



هفتگانه‌ی اراده‌ی سیاسی شود. این بازنگری می‌تواند مشتمل بر به‌کارگیری ابزارهای دیپلماتیک برای حمایت از اصلاح‌جویان ضدفساد باشد که در مسیر تلاش‌هایشان با چالش‌های سیاسی مواجه می‌شوند.

### نتیجه‌گیری

اصول توسعه و مالکیت که از داخل کشور رهبری شود، در کنار همکاری سازمان‌های بین‌المللی، تنها زمانی امکان تحقق دارد که بازیگران داخلی و بازیگران بین‌المللی اهداف و اولویت‌های مشترکی داشته باشند. بازیگران بین‌المللی مایل‌اند تأییدی برای اثبات اشتراک اهداف با همکارانشان در داخل کشور مزبور مشاهده کنند و درعین‌حال، جلوه‌هایی از اراده‌ی سیاسی را نیز در طرف مقابل ببینند. با این وجود، چندان که در این مختصر نیز گفته شد، اراده‌ی سیاسی شامل چیزی بیش از به‌کار گرفتن برنامه‌ای می‌شود که از سوی بازیگران بین‌المللی، مانند UNCIC یا تصویب قوانین ضدفساد، شکل گرفته باشد. امضای توافق‌نامه یا تأیید قوانین ممکن است یکی از گام‌های این مسیر باشد، اما اراده‌ی سیاسی واقعی به میزان مشارکت بازیگران سیاسی یک کشور برای حمایت آشکار از اقدامات ضد فساد و ایجاد هم‌پیمانی‌هایی با سایر بازیگران این عرصه بستگی دارد که به‌منظور تقویت این حرکت و توسعه‌ی برنامه‌های فنی درست برای اجرای اصلاحات، یا اقدام به امور ناظر بر تعهد مراکز و تقویت مجازات معنادار، و پیگیری اجرای مداوم و طولانی‌مدت برنامه‌ها در پیش گرفته می‌شود که هم‌زمان با تضمین رصد و به‌کارگیری این برنامه‌ها در شرایط روز اعمال می‌شوند. ارتباط بین ظرفیت و اراده اشاره بر این واقعیت دارد که ایجاد ظرفیت می‌تواند تأثیر مثبتی بر اراده‌ی سیاسی داشته باشد، اما واضح است که ظرفیت تنها بخشی از کل ماجراست. محیطی که بستر مناسب برای این امر را فراهم کند نیز بسیار کلیدی است. چنانچه محیط موردنظر انگیزه‌ی بازیگران را از بین ببرد، و چنانچه منافع شخصی آن‌ها نیز این انگیزه‌کشی را تقویت کند، این احتمال به وجود خواهد آمد که نه‌تنها

اراده‌ی سیاسی موردنیاز از بین برود، بلکه اراده‌ای منفی و درجهت عکس آن شکل بگیرد. بنابراین ممکن است بازیگران سیاسی حتی تحریک به اقداماتی شوند که شدت فساد را بیشتر کند.

ماهیت اراده‌ی سیاسی - مثبت یا منفی - با مردم سروکار دارد؛ و اصولاً به عنوان کارکرد نیروها و روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در بین بازیگران سیاسی کشور، و نیز عناصر بین‌المللی که له یا علیه اصلاحات ایجاد انگیزه می‌کنند، نمود پیدا می‌کند. تمایل به اینکه اراده‌ی سیاسی را به سطوح مختلف زیادی از بدنه‌ی سیاسی کشور (مانند وزرا، یا کل دولت) نسبت دهیم، هرچند ممکن است به لحاظ مفهومی راحت‌تر باشد، اما اغلب مشخص نمی‌کند که چه کسی باید به چه چیزی متعهد شود. در این مختصر الگویی از اراده‌ی سیاسی پیشنهاد شده است که مجموعه‌ای از اجزای مبتنی بر عمل را مشخص می‌کند: الف) عزم و اراده‌ای قابل مشاهده و سنجش، و رای تقسیم‌بندی ساده‌ی «هست- نیست»؛ و ب) برخورداری از قابلیت پاسخگویی به حمایت و تقویت خارجی. به کارگیری این الگو می‌تواند شفافیت بیشتری به میزان اراده‌ی سیاسی بخشد.

به هر حال، عنصر مؤثر اراده‌ی سیاسی در کشور، سیاست بومی آن است. چندان که ناظران متعددی عنوان کرده‌اند، بازیگران بین‌المللی اغلب مهارت زیادی در پرداختن به سیاست کشور مزبور ندارند. مبارزه با فساد در دل سیاست، مستلزم برخورد با منافی است که اغلب قدرتمند، متضارب و رقیب یکدیگرند. ایجاد اراده‌ی سیاسی برای مبارزه با فساد لزوم فرایند رویکردی را پدید می‌آورد که مبتنی بر تغییر و خواهان گام‌های پیش‌رونده به سمت هدف باشد. ممکن است اعطاکنندگان کمک‌های مالی از سرعت‌پایین تغییرات دلسرد شوند، اما بهتر است این ناشکیبایی را مهار کنند و به دنبال فرصتی برای حمایت از اقدامات بومی کشوری باشند که با آن همکاری می‌کنند.





## مقدمه

برای شهروندان بسیاری از کشورهای جهان، لابی‌گری و فساد دقیقاً هم‌معنی‌اند. اما تحقیقات انجام‌شده زیادی نشان می‌دهد که این دو یکی نیستند، هرچند لابی‌گری و تمام انواع و شکل‌های فساد منطق بنیانی یکسانی دارند: تأثیرگذاری بر تصمیمات دولت. اما درهرحال، لابی‌گری نسبت به فساد ترجیح دارد؛ چراکه فساد، همان‌گونه که تمام مطالعات نشان می‌دهند، مانع توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی است. اما این بدان معنی است که لابی‌گری را جایگزین فساد بدانیم و آن را بخشی از موضوعات موردبحث در برنامه‌ی مبارزه با فساد برشمیریم؟ این امر، به‌ویژه درجایی که فساد به‌طور خاص مشکل‌آفرین است، تأثیری در کاهش میزان آن خواهد داشت؟ لابی‌گری، به‌عنوان ابزاری برای فراهم آوردن اطلاعات به‌منظور تأثیرگذاری بر تصمیمات دولت، می‌تواند مسیر ساده‌تری برای متصدیان توسعه باشد که قصد پرداختن به موضوع حساس فساد را دارند. تمامی این مسائل ارتباطی مستقیم با جامعه بین‌المللی و نیز متولیان مبارزه با فساد دارند که می‌کوشند تا اقداماتی جدیدتر، و تا حد امکان تأثیرگذارتر، برای مبارزه با فساد در پیش گیرند.

## تعریف لابی‌گری و فساد

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۰۸) و دیگران اذعان دارند که هیچ تعریف واحد و فراگیری برای لابی‌گری وجود ندارد؛ اما، به‌تازگی اجماع گسترده‌ای درمورد تعریف لابی‌گری به وجود آمده است. تعریف مزبور نزدیک به این مضمون است: هرگونه تلاش قانونی سازمان‌ها برای تأثیرگذاری بر تصمیمات دولت. این تعریف اساساً به نحوی استثنایی گسترده است و این گستردگی از آن‌روست که هرگونه برداشت مفهومی از این واژه باید بتواند یافته‌های تجربی زیر را توضیح دهد:

– لابی‌گری توسط انواع گوناگونی از سازمان‌های مختلف انجام می‌شود؛ ازجمله شرکت‌های بازرگانی خصوصی، تشکل‌های تجاری شرکت‌های

بازرگانی، انجمن‌های حرف و مشاغل مانند پزشکان یا وکلا، اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های شهروندی یا «منافع عمومی» (که اغلب NGO یا در برخی متون نیز جامعه‌ی مدنی خوانده می‌شوند)، دولت‌ها و حتی کلیساها و سازمان‌های خیریه.

- لابی‌گری پدیده‌ای به شدت متنوع است که می‌تواند فعالیت‌های بسیار گوناگونی را شامل شود، مانند ملاقات شخصی با مقامات دولتی، مشارکت مالی در کمپین مسئولان دولتی و یا احزاب سیاسی در موارد مجاز، ارائه‌ی شهادت در دیوان‌های مختلف از جمله کمیته‌های قانون‌گذاری، و مشارکت در فعالیت‌های مردم عادی از جمله تهییج تماس شهروندان با مسئولان دولتی یا شرکت در اعتراض‌ها و تظاهرات عمومی.

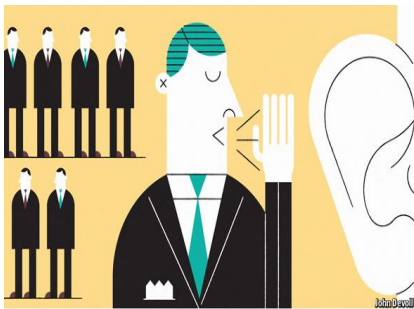
- لابی‌گری انواع مقامات دولتی را هدف می‌گیرد. هرچند مطالعات نشان می‌دهد که حجم زیادی از لابی‌گری معطوف به قانون‌گذاران و کارکنان دفاترشان می‌شود، اما مشاهده می‌شود که لابی‌گران با بازیگران غیر قانون‌گذار نیز سروکار دارند، مانند مقامات رسمی دولت، رؤسای اجرایی و مشاوران ارشدشان، وزرا، و در برخی موارد نیز حتی قضات.

- لابی‌گری در تمام سطوح دولت انجام می‌شود - چه مرکزی و چه بخش‌های فرعی آن. مطالعه‌ی لابی‌گری همواره نشان می‌دهد که این پدیده منحصر به دولت مرکزی نمی‌شود، بلکه در بافت‌های منطقه‌ای، محلی و استانی نیز مشاهده می‌شود.

- لابی‌گری تمام تصمیم‌گیری‌های دولتی را هدف می‌گیرد، شامل تصمیمات سیاسی پیرامون موضوعات «مهمی» چون مالیات‌بندی، تجارت، و هزینه‌کرد دولت؛ تصمیم‌گیری درمورد تأمین کالاهای موردنیاز و اینکه دولت از چه کسی کالا و خدمات خریداری کند و به چه میزان؛ و حتی تصمیم‌گیری درمورد مناصب و پیرامون اینکه چه کسی مناصب دولتی را اشغال کند.

- لابی‌گری در نقاط مختلف به گونه‌های متفاوتی اعمال می‌شود. برخی کشورها جوامع لابی‌گر متعدد و گوناگونی دارند، درحالی‌که برخی دیگر جوامع لابی‌گری کوچک، یکدست و نسبتاً غیرفعال دارند، همچنین کشورهای دیگری نیز هستند که اصولاً لابی‌گری در آن‌ها وجود ندارد. فساد نیز، مانند لابی‌گری، بسیار به‌سختی قابل تعریف شدن است و تعاریف بسیار زیادی برای آن وجود دارد. اما معمول‌ترین تعریف آن عبارت است از «سوءاستفاده از قدرت و اگذارشده برای منافع شخصی» (شفافیت بین‌الملل). بنابراین اقداماتی که برای مبارزه با فساد انجام می‌شوند برای کاهش یا حذف سوءاستفاده از قدرت و اگذارشده برای دستیابی به منافع شخصی و نیز به‌منظور تقویت یکدستی و بی‌طرفی در بدنه‌ی دولتی طراحی می‌شوند. فساد نیز مانند لابی‌گری می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد، ازجمله رشوه‌خواری، اخاذی، سوءاستفاده‌ی مالی، تقلب انتخاباتی، پارتی‌بازی، اختلاس، باج‌گیری و اعمال نفوذ.

### لابی‌گری و فساد چطور از یکدیگر متمایز می‌شوند



چنان‌که کمپس یادآور می‌شود (۲۰۰۹؛ کمپس و جیوانی ۲۰۰۷)، سه تفاوت عمده بین لابی‌گری و فساد وجود دارد. نخست اینکه، فساد غیرقانونی برشمرده می‌شود و اغلب، بسته به کارکرد آن برخی اشکال معین فساد و میزان رواج و شیوع آن، حتی نامشروع است. در مقابل، لابی‌گری قانونی و مشروع است، هرچند در برخی موارد کاملاً مورد

رضایت نیست. دوم آنکه، موارد فساد معمولاً به نفع شخص یا گروه کوچکی از افراد تمام می‌شود، درحالی که لابی‌گری به نفع، و یا بهتر اینکه به کسب منافع، گروه بزرگ‌تری از افراد تمام می‌شود که در منفعتی شریک‌اند، برای نمونه در کاهش مالیات یا در افزایش هزینه‌کرد دولت در موارد موردنظرشان. و سوم، فساد در بیشتر مواقع شامل قید رشوه‌خواری یا کسب مزایا است، اما لابی‌گری اغلب دربرگیرنده‌ی قید تبادل اطلاعات است، چراکه لابی‌گرها اطلاعاتی در اختیار تصمیم‌سازان دولتی می‌گذارند تا بتوانند منافعشان را بر تصمیمات آن‌ها تحمیل کنند. البته این بدان معنی نیست که لابی‌گری هیچ‌گاه مقید به پول یا امتیاز یا منافع ملموس دیگر نیست. واضح است که لابی‌گری گاه شامل این موارد نیز می‌شود، مانند زمانی که لابی‌گران و سازمان‌های متبوعشان پولی را برای کمپین‌های انتخاباتی مسئولان دولتی یا سفر به مناطق بیگانه هزینه می‌کنند. اما به‌رغم باور عمومی مبنی بر اینکه لابی‌گری بر محور پول و مزایا می‌چرخد، درواقع مطالعه‌ی این پدیده در کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که لابی‌گری بیش از هر چیز برای تبادل اطلاعات انجام می‌شود. صرف‌نظر از این تمایزات، لابی‌گری و برخی شکل‌های فساد در موضوع بسیار مهمی باهم اشتراک دارند. چندان‌که کمپس و جیوانی (۲۰۰۷:۱) گفته‌اند، «در مفهوم کلی، هر دو پدیده راهی‌اند برای کمک گرفتن از بخش عمومی در عوض چیزی». به عبارت ساده‌تر، هم در لابی‌گری و هم در برخی شکل‌های فساد، کسی یا چیزی، چیزی را از کسی یا چیزی در دولت می‌خواهد. به این مفهوم، لابی‌گری و فساد بسیار به هم شباهت دارند. به‌علاوه، به‌وضوح برخی «نواحی خاکستری» نیز وجود دارد که مشکل می‌توان در آن‌ها تفاوتی بین این دو مشاهده کرد؛ از آنجایی که هر دو پدیده تا حدودی باهم شباهت دارند، به‌ویژه در هدف نهایی‌شان، این موضوع نیز تا حدی قابل‌انتظار است. برای نمونه، در کشورهایی که لابی‌گری بسیار رواج دارد، انتخاب و انتصاب در احزاب سیاسی و کاندیداها



نیز با مشارکت لابی‌گران انجام می‌شود، امری که به نظر برخی ناظران نمونه‌ای از «فساد قانونی» است (کافمن و ویسنت، ۲۰۱۱)



افزون بر این، سازمان‌هایی که در ایالات متحده و اتحادیه‌ی اروپا و هر جای دیگری لابی‌گری می‌کنند، مزایایی در اختیار مقامات رسمی قرار می‌دهند، و همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، سفر یا هر چیز دیگری که می‌تواند ارزش اقتصادی داشته باشد نیز به سیاست‌گذاران هدیه می‌شود. این مزایا و مشارکت‌ها ممکن است کاملاً قانونی باشند، اما می‌تواند به قصد ایجاد سوگیری به سمت تأمین منافع انجام شود که آن‌ها فراهم می‌کنند و نیز ممکن است در نهایت به چنین اثرگذاری‌ای ختم شود. خطر ویژه‌ی این رفتار آن است که می‌تواند منجر به تراحم منافع و مشاهده‌ی بروز این درگیری شود، که بی‌طرفی در ارزیابی حقایق مربوطه و نیز تفسیر قوانین قابل اجرا برای تصمیم‌گیری‌های عمومی را کمرنگ می‌کند (استرومبرگ و لوندل ۲۰۰۸). پیامد آسیب‌زننده‌ی چنین رفتاری شامل از دست رفتن اعتماد عمومی به دولت و کم شدن مشروعیت نهادهای عمومی‌ای می‌شود که قرار بوده برای ایجاد تعادل و پشتیبانی و تحقق منافع عمومی و فردی فعالیت کنند. به‌طور خلاصه، اعطای مزایا و یا مشارکت، حتی زمانی که قانونی باشد، ممکن است سیاست‌گذاران را به سمت تأمین منافع کسانی متمایل کند که می‌توانند مسئولیتی به آن‌ها اعطا کنند (استرومبرگ و لوندل ۲۰۰۸).

به هر حال، مهم است بدانیم هرچند هم اقدام به لابی‌گری و هم فساد در پی تأثیرگذاری بر دولت صورت می‌پذیرد، با این وجود تمایزهای روشن و واضحی بین این دو وجود دارد، که در تعاریف فوق نیز قابل مشاهده است. برای نمونه، لابی‌گری قانونی است، اما فساد خیر. به علاوه، لابی‌گری علناً در میزان اعتماد مردم به دولت رخنه ایجاد نمی‌کند، در حالی که فساد این طور است. افزون بر این، لابی‌گری به دنبال تأثیرگذاری بر تصمیمات دولت با ارائه‌ی اطلاعاتی است که ممکن است منافع مشخصی را تأمین کند و یا نکند؛ اما فساد می‌خواهد با ابزاری که «سود شخصی» را فراهم می‌کند، بر قدرت دولت اعمال نفوذ کند. دست‌آخر، تفاوت مهم دیگر این است که فساد، قطعاً، از سوی فعالان مبارزه با فساد پدیده‌ای بد و نادرست انگاشته می‌شود، حال آنکه لابی‌گری برای تأثیر بر سیاست‌گذاری به عنوان «فعالیتی ذاتاً فاسد و غیرمشروع» شمرده نمی‌شود (مارتینی ۲۰۱۲:۱). در عوض، در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته مانند استرالیا، کانادا، آلمان، سوئد، و ایالات متحده، به عنوان «عنصری کلیدی در روند تصمیم‌سازی [دولت]» در نظر گرفته می‌شود (مارتینی ۲۰۱۲:۱). سرانجام، پرسش این است که این باید تعریف فساد را به گونه‌ای بسط داد که شرایط اخلاقاً مورد تردیدی که ممکن است از جانب قانون حمایت شوند را نیز بتوان به عنوان فساد معرفی کرد (مانند مورد «فساد قانونی»).

### چرا باید لابی‌گری را قانون‌مند کرد؟

از آنجایی که لابی‌گری و فساد چندان ناهم‌اند نیستند، دولت در برخی مواردی که لابی‌گری رواج دارد، آن را قانون‌مند می‌کند (چاری و همکاران، ۲۰۱۲). برای نمونه، لابی‌گرانی که در ایالات متحده، در واشنگتن دی‌سی، با دولت ملی لابی می‌کنند، باید از سوی یک هیئت دولتی ثبت شوند و پیرامون فعالیت‌ها و هزینه‌هایشان، گزارش‌های دوره‌ای ارائه دهند که برای عموم مردم قابل دسترسی‌اند. در مجلس اروپا در بروکسل نیز لابی‌گران ثبت‌شده از امکان «دسترسی به امور» برخوردارند

که «مسئولان دولتی مأمور به اجرای آن‌اند» (سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی، ۲۰۰۹: ۱۲۷). بسیاری از کشورهای اروپای غربی تا حدودی لابی‌گری را قانون‌مند کرده‌اند (هرچند ماهیت و میزان و تأثیرگذاری این قوانین در کشورهای مختلف تفاوت‌های زیادی باهم دارند؛ چاری و دیگران، ۲۰۱۲).

اما وجود پدیده‌ی قانون‌مند کردن لابی‌گری پرسش‌های زیر را به‌دنبال دارد: چرا باید لابی‌گری را قانون‌مند کرد؟ اگر، چنان‌که بسیاری از خبرگان سیاسی و افراد عادی معتقدند، لابی‌گری «بخش جدانشدنی از دموکراسی سالم» و «بسیار نزدیک به ارزش‌های جهانی مانند آزادی بیان و حق دادخواهی از دولت» است (مولکاهی، ۲۰۱۵: ۶)، پس قانون‌مند کردن آن، به نظر، اقدامی ناخوشایند و شاید حتی سخت‌گیری غیرمنصفانه است.

از سوی دیگر، دلایل زیادی نیز برای لزوم قانون‌مند کردن لابی‌گری وجود دارد. نخستین و روشن‌ترین دلیل آن است که لابی‌گری به‌راحتی با فساد اشتباه می‌شود. به نظر می‌رسد این مهم‌ترین علت عقلانی برای قانون‌مند کردن این امر از سوی سازمان شفافیت بین‌المللی باشد، که در گزارش‌های اخیرش می‌خوانیم، در آن دسته از کشورهای اروپایی که قوانین لابی‌گری قوانینی سست هستند، تزامم منافع بسیار فراگیر است، «گروه‌های معینی وجود دارند که از امتیاز دسترسی ویژه به تصمیم‌سازان برخوردارند»، و «مخفیانه و به‌طور غیررسمی بر دیگران نفوذ دارند» (مولکاهی، ۲۰۱۵: ۶). تمام این قضایا به گونه‌ی شک‌برانگیزی به فساد شبیه است. سازمان شفافیت بین‌المللی اساساً بر این باور است که اگر لابی‌گران و سیاست‌گذاران به حال خود رها شوند، روابط نزدیکی برقرار خواهند کرد که به فعالیت‌های نامناسب و احتمالاً فساد منتهی خواهد شد. به‌طور کلی، ایده‌ی اصلی در اینجا آن است که رفتار ناشایست در بین لابی‌گران و مسئولان دولتی به‌طور اجتناب‌ناپذیری مشاهده خواهد شد، مگر اینکه دولت برای پیشگیری از آن ورود کند. یکی از گام‌های

پیشنهادی شفافیت بین الملل این است که برای لابی گران و مسئولان دولتی مجموعه کدهای فعالیتی به کار گرفته شود که به وضوح نشان دهد چه چیز در قانون مجاز است و چه چیز نیست. گام دیگر آشکارسازی است، به این معنا که لابی گران باید، برای دولت یا عموم مردم و یا برای هر دو، آشکار کنند که در حال انجام چه کاری اند، در چه مورد لابی می کنند و چطور هزینه می کنند.



هیچکس به من نمی گوید که چه کار بکنم یا چه بگویم

دلیل دوم برای لزوم قانون مند کردن لابی گری اهمیت تضمین اعتماد مردم به دولت است (توماس، ۱۹۹۸: ۵۰۳). موضوع این است که در دوران کاهش اعتماد به دولت ها در سطح جهانی، گام هایی باید برداشت تا شهروندان به شفافیت و مسئولیت پذیری حقیقی دولت ها متقاعد شوند. یکی از این گام ها قانون مند کردن لابی گری است تا از این طریق شهروندان بدانند چه کسانی می خواهند بر تصمیمات دولت تأثیر بگذارند، این عده چه چیزی می خواهند، و دولت به آن ها چه پاسخی می دهد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۹: ۱۲۷). این استدلال الهام بخش تصویب قوانینی شد که لابی گران را وادار به ثبت رسمی

از طریق هیئت عمومی و نیز آشکارسازی فعالیت‌هایشان برای مردم می‌کرد.

سومین دلیل برای اثبات لزوم قانون‌مند ساختن لابی‌گری - به‌ویژه قانون‌مندسازی مبتنی بر الزام آشکارسازی - آن است که به‌این‌ترتیب می‌توان «میزان تأثیرگذاری این نفوذ را کنترل کرد.» به‌خصوص اینکه قانون لزوم آشکارسازی به شهروندان و سازمان‌های متبوعشان امکان می‌دهد تا از فعالیت‌های لابی‌گران و چگونگی پاسخگویی سیاست‌گذاران به این فعالیت‌ها مطلع باشند، این امر باعث خواهد شد تا شهروندان اطلاعات لازم برای مشارکت در کنش‌های سیاسی موردنظرشان را به‌دست آورند. همچنین باید به خاطر داشت که طبق مطالعات انجام‌شده شهروندان بر این باورند که قوانین لابی‌گری بسیار مهم‌اند - به‌ویژه آن دسته از قوانین که اقدامات لابی‌گران را برای مردم آشکار می‌کند - و این باور در واقع در تمام دنیا و در میان تمام مردم وجود دارد (کلداس و پریرا، ۲۰۰۷: ۷۳؛ مگ‌گراث، ۲۰۰۸).

بدون شک عده‌ای نیز معتقدند لزومی برای قانون‌مند کردن لابی‌گری وجود ندارد. در این رابطه هم سه دلیل عمده مطرح می‌شود. نخست آنکه، دولتمردان بسیاری از کشورها - به‌ویژه کشورهای کورپوراتیست [ابشرکت سالار] که گروه‌های ذی‌نفع در آن‌ها به‌طور رسمی بخشی از روند سیاست‌گذاری‌اند - بر این باورند که قوانین لابی‌گری «با حق بنیادین هر دموکراسی برای نفوذ مردم در قدرت ناسازگار است» (لومی، ۲۰۱۴: ۳۰۵). برای نمونه، در کشورهای اسکاندیناوی، مفهوم قانون‌مند کردن لابی‌گری، برای بسیاری از دولتمردان و شهروندان، مفهومی «غیرطبیعی» است، از آنجایی که مشکل فساد در این کشورها مطرح نیست، گروه‌های ذی‌نفع به‌عنوان منبع عمده‌ای از اطلاعات ارزشمند برای سیاست‌گذاران مطرح‌اند (لومی، ۲۰۱۴)، و قوانین مزبور نیز به‌عنوان محدودیتی بیش‌ازحد در نظر گرفته می‌شوند که در مسیر جریان آزاد اطلاعات، در طول فرایند

سیاست‌گذاری، مانع‌تراشی می‌کنند (گرین‌وود و توماس، ۲۰۰۴؛ توماس، ۲۰۰۶). ناظران یادآور می‌شوند که قوانین به‌ظاهر سفت‌وسخت لابی‌گری، برای نمونه در ایالات‌متحده، مانع از بروز رفتارهای غیراخلاقی در میان لابی‌گران نشده‌اند. خلاصه اینکه، ممکن است سران قدرت از قوانین موردبحث به‌عنوان اسلحه‌ای دربرابر دشمنانشان استفاده کنند. برای نمونه، در کشوری با ساختار حکومتی تک‌حزبی یا اقتدارگرا، دولت می‌تواند «قوانین لابی‌گری» را به‌کار گیرد تا کنش‌های جمعی و فعالیت لابی‌گری افراد و گروه‌های مخالف را غیرقانونی اعلام نماید.



## نحوه رسیدگی به شکایات مرتبط با فساد در معاملات دولتی<sup>۱</sup>



---

1 . <http://guide.iacrc.org/how-to-respond-to-a-complaint/>



## مقدمه

صاحب‌نظران و تحلیل‌گران اقتصادی، بر این باورند که درز کردن اطلاعات و قیمت پیشنهادی رقبا، انتخاب سلیقه‌ای پیمانکاران، پرداخت‌های غیررسمی، فاکتورهای صوری، نشت اطلاعات شرکت مناقصه‌گذار، مشاوره‌دهی برخی مجریان به پیمانکاران خاص درخصوص نحوه حضور در مناقصه و بسیاری از این دست موارد، نگرانی‌های فراوانی را برای بخش صنعت و خدمات یک کشور به وجود می‌آورد؛ چراکه در این شرایط امکان رقابت عادلانه از بسیاری از آن‌ها سلب شده و با از میان رفتن شرایط برابر رقابتی، عملاً بسیاری از صنعتگران و شرکت‌های خدماتی از گردونه رقابت کنار می‌روند.

در ایران با تصویب قانون برگزاری مناقصات در مجلس شورای اسلامی و عدم تأیید آن از سوی شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاح آن در بهمن‌ماه ۸۳ قانون مناقصات را تصویب کرد و از سوی دولت وقت ابلاغ شد تا تمامی دستگاه‌های مشمول تمامی خریدهای خود را براساس این قانون انجام دهند. پیمانکاران یا مناقصه‌گران براساس قانون «اساسنامه هیئت رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات» حق شکایت از مناقصه‌گذار و نحوه برگزاری مناقصه را دارند، اما متأسفانه گاهی این حق به خاطر وجود ترس از قرار گرفتن در لیست سیاه از سوی دستگاه‌های مناقصه‌گذار، باعث شده که حتی با دیدن تخلفات آشکار، از شکایت و احقاق حق خود صرف‌نظر کنند و یا موضوع را به‌صورت اطلاعیه‌هایی بدون ذکر نام به دستگاه‌های نظارتی اعلام کنند. در مواردی نیز کارمندانی از یک دستگاه اداری به‌عنوان مطلع از یک‌روند نادرست در معاملات دولتی به یک نهاد نظارتی مراجعه می‌کنند. نوشتار حاضر روش‌های مصاحبه با شاکیان، آگاهان و افشاگران در این زمینه را بیان کرده تا اینکه نشان دهد چگونه با طرح پرسش‌های درست و

دقیق می‌توان به فساد احتمالی یک دستگاه اداری در معاملات دولتی پی برد.

### چگونگی مصاحبه با شاکی

بلافاصله به شاکی پاسخ بدهید و به دنبال اطلاعات اضافی باشید. در صورت امکان تحقیقات سریعی را برای تأیید اولیه موضوع شکایت انجام بدهید. مثلاً اینکه در روند مناقصه تنها یک پیشنهادکننده مورد ارزیابی قرار گرفته است یا اینکه کمترین پیشنهاد پذیرفته نشده است. این کار به شما کمک می‌کند تا برای مصاحبه آماده باشید و به شاکی نشان می‌دهد که برای پیگیری شکایت تلاش زیادی کرده‌اید. عدم انجام حتی ساده‌ترین آمادگی‌ها می‌تواند برای افشاگران دلسردکننده باشد و حتی می‌تواند بر تمایل او برای همکاری بیشتر تأثیر بگذارد.

برای شکایت‌هایی که مطرح می‌شوند گوش به‌زنگ باشید. آن‌ها ممکن است مستقیماً به فساد اشاره نکنند مثلاً: "پیشنهاد ما بهترین پیشنهاد بود، با این حال ما برنده نشدیم". یا "ما پایین‌ترین قیمت را دادیم، اما به‌صراحت رد صلاحیت شدیم". شرکت‌کنندگان در مناقصه و مزایده‌ها اغلب مایل هستند تا در مورد انحراف در فرآیند مزایده یا مناقصه صحبت کنند، اما تمایلی به ادعای وجود فساد ندارند؛ زیرا از اینکه به لیست سیاه آن دستگاه اجرایی وارد شوند و یا مواجه با تلافی‌های بیشتری شوند ترس دارند. در چنین مواردی به نحوی محترمانه فشار وارد کنید تا به مسائل فساد برسید و بر محرمانه بودن موضوع تأکید کنید.

## سؤالات پیشنهادی برای پرسیدن از شاکی

### سؤالات عمومی مصاحبه اولیه

بدیهی است که هر مورد و هر مصاحبه متفاوت از دیگری است، اما تقریباً در هر مورد از ابتدا سؤال‌های زیر باید پرسیده شود. موارد زیر را پوشش دهید و جزئیات بیشتر را تا حد ممکن فراهم کنید.

۱. نام کامل، عنوان شغلی و اطلاعات تماس برای همه افراد و سازمان‌هایی که درگیر در موضوع هستند.
۲. جزئیات (چه، چه کسی، چه زمانی، کجا، چرا و چه مقدار) از اتهامات.
۳. تاریخ یا دوره زمانی رویدادهای کلیدی.
۴. چقدر پول یا زیان مطرح است؟
۵. آیا سوابق یا اسنادی وجود دارد که از اتهامات حمایت کنند؟ اگر چنین است، چه مدارکی و چه کسی آن را دارد؟ درخواست نسخه‌های الکترونیکی و کاغذی.
۶. نام، محل و اطلاعات تماس افراد دیگر که ممکن است از خطا مطلع باشند و یا مایل به بحث درمورد آن باشند.
۷. آیا معاملات مشابهی وجود دارد؟ اگر چنین است، جزئیات را دریافت کنید و متوجه شوید که چه کسی از آن‌ها مطلع است.
۸. شاکی چگونه درمورد اتهامات مطلع شده است؟ اگر از افراد دیگر، آن‌ها چه کسانی و کجا هستند؟
۹. بعد از انجام یک بررسی اولیه سریع، مصاحبه‌ها و یا ارتباطات الکترونیکی با شکات باید پیگیری شود. اگر شاکی با تلفن مصاحبه کرده است و قصد دارد ناشناس باقی بماند، زمانی را برای مصاحبه بعدی زمان‌بندی کنید.

## دیگر سؤالاتی که ممکن است مفید باشند

سایر سؤالات بالقوه مفید در مصاحبه اولیه می تواند، بسته به شرایط، شامل موارد زیر باشد:

- آیا متقاضی موافقت می کند که شهادت بدهد یا یک اعلامیه را امضا کند؟ (بسیاری نمی خواهند، اما اطلاعات آن ها هنوز برای شناسایی مدارک، اسناد و سایر شاهدانی که شهادت می دهند مفید است).
- انگیزه شکایت کننده برای گزارش چیست؟
- سعی کنید تعیین کنید که این دلایلی برای اعتبار شاکی وجود دارد، مثلاً علاقه شخصی به معاملات، سابقه اختلاف بین طرفین یا سابقه کفری.
- همان طور که در بالا گفته شد، در این مرحله خیلی نگران تلاش برای ارزیابی یا گمانه زنی درمورد انگیزه یا اعتبار شاکی نباشید. اگر اطلاعات به نظر قابل اعتماد می رسند، آن ها را با سایر اطلاعات در این زمینه محک بزنید و براساس آن عمل کنید.

## سؤالات اولیه درمورد ادعاهای فساد:

این سؤالات ممکن است هنگامی که با مواردی مانند رشوه و یا منافع مالی در پروژه های دولتی روبرو هستیم مفید باشد.

۱. نام کامل، عنوان شغلی و محل اقامت شاکی یا افشاگر را درخواست کنید:

- افراد یا شرکت هایی را که رشوه پرداخت کرده اند یا دریافت کرده اند.
- هر عامل، واسطه و یا مقاطعه کار فرعی که در پرداخت ها دخیل است.

۲. سعی کنید هرچه بیشتر جزئیات رشوه‌های ادعایی را دریافت

کنید، ازجمله:

- چقدر پول در پرداخت رشوه و معاملات کلی دخیل بوده است؟

- هدف از پرداختن رشوه چه بوده است؟ برای اصلاح

قرارداد، برای انتخاب شدن، تسریع انجام کاری و غیره؟

- تحت چه عنوانی پرداخت‌ها انجام می‌شده است؟

به‌عنوان مثال، به‌عنوان "هزینه مشاوره" یا کمیسیون یا

هزینه‌های متفرقه؟ نحوه پرداخت به چه صورت بوده

است؟ از طریق پول نقد، یا چک، یا به شکل کالاها یا

خدمات؟

- سعی کنید حساب یا حداقل بانک یا منبع مالی که از آن

پرداخت‌شده است و یا حساب‌هایی که ایجادشده است را

شناسایی کنید.

- درمورد اسناد پرداخت رشوه و شواهد نفوذ فساد سؤال

کنید. البته این می‌تواند شامل سوابق حساب بانکی،

رسیدهای انتقال وجه یا صورتحساب‌های نادرست و یا

رسید برای مخفی کردن پرداخت‌ها باشد. شواهد تأثیر

فساد می‌تواند شامل اسنادی باشد که نشان دهد

قیمت‌گذاری بالقوه، پذیرش کار باکیفیت پایین، تصویب یا

تغییر غیرضروری سفارش‌ها و غیره باشد. بپرسید چه

کسانی مدارک را ثبت کرده‌اند و کجا هستند؟ درخواست

نسخه‌های کپی کنید.

- اسامی و موقعیت افراد دیگری که ممکن است از موضوع

مطلع باشند از قبیل کارکنان سابق یا رقبای پرداخت رشوه

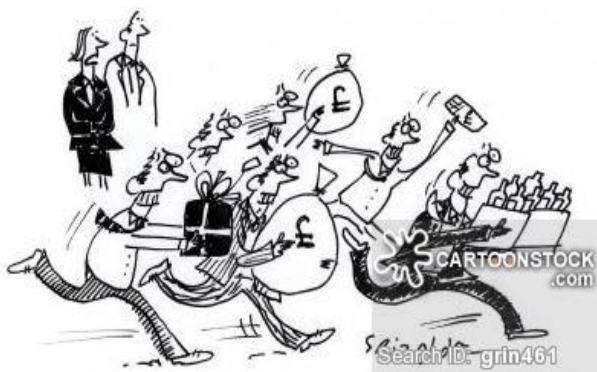
( که ممکن است برای رشوه همکاری داشته باشند)،  
همکاران یا زیردستان رشوه گیرنده را اخذ کنید.

## سؤالات اولیه مصاحبه برحسب موضوع فساد

### رشوه و اخاذی

سؤالاتی که ممکن است پرداخت رشوه یا اخاذی را نشان دهند عبارت‌اند از:

- آیا می‌دانید یا مشکوک هستید، یا شنیده‌اید که این هزینه‌ها پرداخت می‌شود؟



این فرآیند رقابت در مناقصه است

سؤالات برای شناسایی افراد مرتبط و شاهدان بالقوه عبارت‌اند از:

- لطفاً همه اشخاص و سازمان‌هایی را که ممکن است در معاملات مشکوک دخیل باشند، شناسایی کنید:

۱. پیمانکاران اصلی
۲. پیمانکاران فرعی
۳. تأمین‌کنندگان
۴. نمایندگان یا واسطه‌ها
۵. پروژه یا مقامات دولتی

- آیا هیچ کدام از شرکت کنندگان در مناقصه اعتراض یا شکایتی را مطرح کرده اند؟
- آیا عوامل یا واسطه های غیرضروری در قراردادهای دخیل بوده اند؟
- آیا عوامل یا واسطه ها پرداخت های کلان غیرمنطقی داشته اند؟
- آیا پروژه به پیمانکاران یا برخی تأمین کنندگان یا مقاطعه کاران فرعی ارجاع شده اند؟

### سؤالات درمورد انتخاب و عملکرد عبارت اند از:

- آیا روش های انتخابی مشکوک مورد استفاده قرار گرفته است؟
- آیا هیچ کدام از پیمانکاران قیمت های کلان غیرمنطقی را که توسط پروژه یا مقامات دولتی پیشنهاد شده است پذیرفته اند؟
- آیا یک پیمانکار خاص حجم زیاد و غیرمعمولی از قراردادهای دریافت می کند؟
- آیا کیفیت کار پیمانکاری به طور مرتب مطلوب نیست، اما توسط مقامات پروژه یا دولتی پذیرفته می شود؟
- آیا پیمانکاری همواره در اتمام یا تحویل پروژه ها تأخیر دارد، باوجوداین بدون مجازات یا جریمه باقی می ماند؟
- آیا پیمانکاری به صورتی غیرمعمول یا سؤال برانگیز حجم زیادی از تغییر در سفارش ها را می پذیرد؟

### سؤالاتی درمورد رفتار مقامات دولتی یا مسئولان پروژه عبارت اند از:

- آیا مقامات دولتی یا مسئولان پروژه :
  - رفتار جانب دارانه ای با برخی پیمانکاران دارند؟
  - به طور مرتب خدمات ضعیف یا با تأخیر برخی پیمانکاران خاص را ندیده می گیرند؟

- علاقه خاصی به انتخاب یا موفقیت یک پیمانکار خاص یا یک قرارداد خاص دارد؟
- هرگونه اقدامی به نفع برخی پیمانکاران مشخص یا قراردادهای خاص برای اموری که وظایف عادی آن‌ها است.
- خط مشی و روش استاندارد را به نفع یک پیمانکار معین نادیده می‌گیرند.

### سؤالات مربوط به رابطه بین بخش‌ها عبارت‌اند از:

- آیا یک رابطه نزدیک اجتماعی بین پیمانکار و مقامات دولتی یا مسئولان پروژه وجود دارد؟
- آیا یک پروژه یا مقامات دولتی:
- هدایای نامناسب، سفر یا امکانات تفریحی را از یک پیمانکار قبول می‌کند.
- ثروتی جدید یا مبهم را به‌دست آورده است.
- به نظر می‌رسد دارای مشکلات مالی است؟
- مقامات دارای منافع تجاری یا شرکت‌هایی در خارج از مجموعه هستند؟
- آیا تمام مقامات مسئول پروژه و دولت برگه‌های تعارض منافع و افشاء مالی را پر کرده‌اند؟

### سؤالات درمورد اسناد قرارداد شامل:

- آیا پیمانکار فاکتورهای مشکوک ارائه می‌دهد و یا مدارک مناسب را ارائه نمی‌دهد؟
- آیا مقامات دولتی و یا مسئولان پروژه به طور مرتب مدارک ناکافی ارائه شده توسط برخی پیمانکاران را نادیده می‌گیرند یا تحمل می‌کنند؟



- آیا تغییر در سفارش‌ها و پرداخت‌ها به صورت مناسبی برای همه پیمانکاران مستند شده است؟

- آیا کنترل‌ها و فرآیندهایی برای جلوگیری از رشوه اجرا می‌شود؟

### سؤالات مربوط به منافع پنهان:

سؤالاتی که ممکن است منافع پنهانی مسئولان پروژه یا مقامات دولتی را در رابطه با کارپرداز، پیمانکار یا مقاطعه‌کاران فرعی آشکار کند عبارت‌اند از:

- آیا شما می‌دانید یا مشکوک هستید یا شنیده‌اید که مسئول

پروژه یا مقام دولتی یا هر مقام مرتبط با آن‌ها، توجه خاصی به

یک کارپرداز، پیمانکار و یا مقاطعه‌کاران فرعی داشته باشند؟

- آیا می‌دانید یا مشکوک هستید یا شنیده‌اید که یک مقام رسمی:

- دارای یک کسب‌وکار بیرونی یا مشاوره باشد.

- دارای روابط خانوادگی یا وابستگی‌های دیگری با

پیمانکار یا مقاطعه‌کاران فرعی باشد؟

- درمورد شرایط به‌کارگیری با پیمانکار یا

مقاطععه‌کاران فرعی گفتگو کرده باشد؟

- آیا به نظر می‌رسد که یک مقام رسمی دارای یک

زندگی تجملاتی فراتر از آنچه طبیعی است برخوردار

است؟

- آیا یک کارپرداز، پیمانکار یا مقاطعه‌کار فرعی موارد زیر را

دریافت کرده است؟

- یک رفتار جانب‌دارانه از یک مقام رسمی

- حجم بالایی از کسب‌وکار

- قیمت‌های غیرعادی بالا

- آیا یک کارپرداز حجم کالا یا خدمات گسترده‌ای را به صورتی

غیرعادی ارائه می‌دهد؟

- آیا یک مقام رسمی حجم زیادی از تعهدات کارپرداز سابق را به کارپرداز جدید انتقال داده است؟
- آیا یک مقام رسمی از ثبت تعارض منافع خودش و یا اعلام اظهارنامه مالی خودداری کرده است؟
- آیا کنترل‌ها یا روش‌هایی برای جلوگیری از ایجاد منافع پنهان اجرا شده است؟

### مهندسی مناقصه

#### سوالات مربوط به سوءاستفاده از تغییر سفارش‌ها

سوالاتی که ممکن است سوءاستفاده از تغییر سفارش‌ها را آشکار کند عبارت‌اند از:

- آیا شما درمورد سوءاستفاده از فرآیند تغییر سفارش اطلاع دارید یا مشکوک هستید یا شنیده‌اید؟
- آیا رویه‌های مناسبی برای درخواست و تصویب تغییر سفارش‌ها دنبال می‌شود؟ اگر نه، استثنائات چه هستند؟
- آیا برخی از پیمانکاران تعداد غیرمعمولی از تغییر در سفارش‌ها را می‌پذیرند؟ اگر چنین است، چه کسی تغییرات را پذیرفته و تصویب می‌کند؟
- آیا برای تغییر سفارش‌ها نیاز کافی یا توجیه درستی وجود دارد؟
- آیا درخواست‌ها برای تغییر سفارش‌ها به وسیله مستندسازی کافی پشتیبانی می‌شوند؟
- آیا کنترل‌ها و رویه‌هایی برای جلوگیری از سوءاستفاده از تغییر سفارش‌ها اعمال می‌شود؟



سؤالات مربوط به محروم کردن مناقصه‌گر (پیمانکار) واجد شرایط  
سؤالاتی که ممکن است محروم‌سازی پیمانکاران واجد شرایط را آشکار  
کند عبارت‌اند از:

- آیا می‌دانید یا مشکوک هستید یا شنیده‌اید که پیمانکاران واجد  
شرایط از پروسه مناقصه حذف شوند؟
- آیا روش‌های به‌کاررفته قبل از بررسی صلاحیت به نحوی  
سخت و غیرمنطقی هستند که تعداد پیشنهادکنندگان را محدود  
می‌کند؟
- آیا اعلام برگزاری مناقصات به اندازه کافی تبلیغ می‌شود؟
- آیا مدت‌زمان پاسخگویی مناقصه‌گران بالقوه به درخواست‌های  
مناقصه‌گذار مناسب است؟
- آیا شرایط قرارداد به طرز غیرعادی محدود می‌شود تا مانع از  
برنده شدن برخی از داوطلبان واجد شرایط شود؟
- آیا برخی پیشنهادها به علت اشتباهات یا نقایص ناچیز دیگر رد  
می‌شوند؟
- آیا یک یا چند پیمانکار در تعداد بی‌تناسبی از قراردادهای برنده  
می‌شوند؟

- آیا پیمانکاران واجد شرایط به طور مداوم در فرآیند انتخاب در مناقصه شکست می‌خورند و یا به طور ناعادلانه‌ای از فرایند انتخاب حذف می‌شوند؟

- آیا کنترل‌ها و رویه‌های مناسبی برای جلوگیری از رد یا حذف شدن پیمانکاران واجد شرایط اعمال می‌شود؟

### سوالات مربوط به نشت اطلاعات مناقصه

- سوالاتی که ممکن است نشت اطلاعات را نشان دهند عبارت‌اند از:
- آیا شما اطلاع دارید یا مشکوک هستید یا شنیده‌اید که اطلاعات محرمانه مناقصه در اختیار پیمانکارانی قرار گرفته باشد؟
  - موارد و الگوهای زیر وجود داشته باشد:

- برنده شدن پیشنهادها بسیار نزدیک به بودجه یا برآوردها باشد.

- برنده مناقصه فقط پیشنهاددهنده پایین‌ترین قیمت باشد.

- آخرین پیشنهاددهنده، پایین‌ترین قیمت پیشنهادی باشد.

- پذیرش پیشنهادهای منقضی شده.

- آیا پیشنهادها پیش از موعد باز شده‌اند؟

- آیا یک "مشاور" یا "واسطه" مشکوک در فرآیند خرید دخیل است؟

- آیا مقامات رسمی پروژه که در روند مناقصه دخالت دارند، این با مناقصه‌گراها سابقه دوستی دارند و یا هدایایی را قبول کرده‌اند؟

- آیا به نظر می‌رسد این مسئولان ورای میزان حقوق و درآمدهایشان زندگی می‌کنند؟
- آیا نمونه‌هایی از برنده شدن مناقصه گرانی مشاهده شده است که دارای اطلاعات محرمانه‌ای هستند که در دسترس عموم نیست؟
- آیا کنترل‌ها و روش‌هایی برای جلوگیری از نشت اطلاعات مناقصه‌ها وجود دارد؟

### سوالات مربوط به دستکاری پیشنهادهای مناقصه

سوالاتی که ممکن است دستکاری در پیشنهادهای مناقصه را آشکار کند عبارت‌اند از:

- آیا اطلاع دارید یا مشکوک هستید یا شنیده‌اید که قیمت‌ها پس از دریافت پاکت پیشنهادها تغییر کرده باشد؟
- آیا معیارهای ارزیابی مناقصه، معیارهایی منصفانه و شفاف هستند و در عمل دنبال می‌شوند؟
- آیا موارد یا اطلاعات یا اسنادی از مناقصه پس از دریافت پاکت پیشنهادها حذف شده است؟
- آیا مواردی از حذف ناعادلانه یک پیمانکار بر اثر محاسبه اشتباه امتیاز یا دستکاری توسط کمیته ارزیابی مناقصه وجود داشته است؟
- آیا اختلافات جدی یا اتهاماتی بین اعضای کمیته ارزیابی پیشنهادها مربوط به امتیازدهی پیشنهادها وجود داشته است؟
- آیا عضوی از کمیته ارزیابی پیشنهادها با برخی از مناقصه‌گراها وابستگی دارد؟
- آیا تأخیر طولانی و غیرقابل توضیحی در ارزیابی پیشنهادها یا عقد قرارداد وجود دارد؟

- آیا مواردی وجود داشته است که مناقصه به دلایل مشکوک تجدید شود؟
- آیا پیشنهادهای با تأخیر گاهی پذیرفته می‌شوند و گاهی مدت‌زمان پذیرش پیشنهادهای تمدید می‌شود؟
- آیا فردی غیرمجاز همیشه در زمان ارزیابی پیشنهادهای وجود دارد؟
- آیا کنترل‌ها و روش‌هایی برای جلوگیری از دستکاری پیشنهادهای وجود دارد؟

### سوالات مربوط به مهندسی مشخصات فنی مناقصه

سوالاتی که ممکن است مهندسی مشخصات فنی مناقصه را نشان دهند عبارت‌اند از:

- آیا اطلاع دارید یا مشکوک هستید یا شنیده‌اید که مشخصات فنی قرارداد به نفع برخی از پیمانکاران تنظیم شده باشد؟
- آیا رقبای حاضر در مناقصه از اینکه مشخصات فنی بیش‌ازحد نزدیک یا ساختگی به نفع یک مناقصه‌گر است شاک‌ی بوده‌اند؟
- آیا به‌طور کامل یا بخشی از مشخصات فنی قرارداد توسط یک پیمانکار تهیه شده است؟
- آیا مشخصات قرارداد بسیار شبیه به محصول یا خدمات ارائه شده توسط پیمانکار خاص است؟
- آیا یک پیمانکار خاص درصد قابل توجهی از قراردادهای اعطاشده را دریافت می‌کند؟
- آیا مشخصات فنی در برخی از درخواست‌های مناقصه به‌طور قابل توجهی نزدیک‌تر از دیگر درخواست‌ها برای خدمات یا محصولات مشابه است؟

- آیا تعداد معقولی از پاکت‌های پیشنهادی مناقصه در پاسخ به درخواست مناقصه گذار دریافت شده است و یا فقط یکی یا دو پیشنهاد؟
- آیا پیمانکاران واجد شرایط به‌طور معمول موفق به ارائه پیشنهاد نمی‌شوند؟
- آیا در بین مناقصه‌گران کسانی هستند که دارای ارتباط شخصی یا کاری با برخی پیمانکاران باشند؟
- آیا کنترل‌ها و رویه‌هایی برای جلوگیری از مهندسی مشخصات فنی وجود دارد؟

### سؤالات مربوط به مناقصات نامتعادل

- سؤالاتی که می‌تواند نامتعادل بودن مناقصه را نشان می‌دهد شامل:
- آیا شما اطلاع دارید یا مشکوک هستید یا شنیده‌اید که پیمانکاری اطلاعاتی را دریافت کرده است که در اختیار دیگر پیمانکاران قرار نگرفته است؟
  - آیا شکایاتی از طرف پیمانکارانی وجود داشته است که مشخصات فنی قرارداد را ناقص، مبهم یا نامشخص دانسته باشد؟
  - آیا موارد اختلاف گسترده‌ای در قیمت پیشنهادی مناقصه گزار و قیمت‌های پیشنهادی مناقصه‌گرها وجود دارد (به‌دلیل مشخصات فنی مبهم یا ناکافی)؟
  - آیا مواردی وجود داشته است که قیمت پیشنهادی مناقصه‌گذار به دلیل مشخصات مبهم و یا نامناسب به قیمت پیشنهادی یکی از مناقصه‌گران نزدیک‌تر باشد؟

- آیا موردی وجود داشته است که پیمانکاری پیشنهادها غیرمعتولی را پذیرفته است که اقلام مربوط به آن پس از برنده شدن حذف شده باشند؟
- آیا کنترل ها و روش هایی برای جلوگیری از قیمت گذاری نامتعادل وجود دارد؟

### تبانی در مناقصه

- سوالاتی که می تواند تبانی در مناقصه را آشکار کند عبارت اند از:
- آیا شما آگاهی دارید و یا مشکوک هستید یا شنیده اید که برخی از مناقصه گران در مناقصه ای خاص درگیر تبانی هستند؟
  - آیا برخی از شرکت ها به کرات برنده مناقصات می شوند و اکثریت کارها را در یک منطقه خاص انجام می دهند؟
  - آیا بازندگان مناقصه به عنوان مقاطعه کاران فرعی برای برنده مناقصه فعالیت می کنند؟
  - آیا تفاوت قیمت های پیشنهادی برنده و پایین ترین قیمت به نحوی غیرمنطقی زیاد است؟
  - آیا به نظر می رسد که بعضی از پیشنهادها رد شده به نحوی عمدی دارای نواقص یا اشتباهاتی بوده اند؟
  - آیا پیمانکاران در هر شغلی پیشنهاد می دهند؟
  - آیا پیمانکاران واجد شرایطی که یک بار پیشنهاد می دهند، دیگر پیشنهادها خود را ارائه نمی دهند؟
  - آیا پیمانکاران متقاضی واجد شرایطی هستند که هرگز در مناقصه شرکت نمی کنند؟
  - آیا قیمت ها کاهش می یابد زمانی که یک مناقصه گر جدید وارد مناقصه می شود؟



- آیا مکاتبات و یا بعضی نشانه‌ها وجود دارد که حاکی از تبانی پیمانکاران در قیمت‌گذاری یا دیگر توافقات باشد؟
- آیا کنترل‌ها یا روش‌هایی برای جلوگیری از تبانی در مناقصه وجود دارد؟

### تقلب

سؤالاتی که می‌تواند عدم موفقیت در تحقق شرایط ویژگی‌های قرارداد باشد شامل موارد زیر است:

- آیا شما آگاهی دارید یا مشکوک هستید یا شنیده اید که یک پیمانکار عامدانه نتوانسته باشد شرایط قرارداد را رعایت کند؟
- آیا کاربران از کیفیت کالا و یا خدمات ارائه‌شده توسط پیمانکار شکایت دارند؟
- آیا آزمایش‌ها بعدی یا بازرسی‌های مستقل نشان می‌دهد که پیمانکار نتوانسته است شرایط قرارداد را محقق سازد؟
- آیا مواردی از تأییدیه‌ها، گزارش‌های بازرسی یا آزمایش‌ها و یا گواهی‌های انجام کار جعلی یا دستکاری‌شده وجود دارد؟
- آیا مواردی از اختلاف بین فاکتورها و اسناد دیگر وجود دارد و یا صورت‌حساب‌هایی که بدون مدرک ارائه‌شده باشد؟
- آیا ادعاها یا نشانه‌هایی وجود دارد که نشان دهنده تحت تأثیر قرار گرفتن بازرسان یا فاسد شدن آن‌ها باشد؟
- آیا کنترل‌ها و روش‌هایی برای شناسایی نمونه‌هایی از عدم موفقیت در تحقق شرایط قرارداد وجود دارد؟

### چگونه یک شکایت را مورد بررسی قرار دهیم؟

عوامل اصلی برای ارزیابی سودمندی و مشروعیت شکایت عبارت‌اند از:

- آیا اطلاعات
- به اندازه کافی برای ارزیابی دقیق هستند؟

- به اندازه کافی برای پیگیری مهم هستند؟
- در مقایسه با سایر اطلاعات و اسناد قابل اعتماد هستند؟
- با اطلاعات قابل اعتماد دیگر تأیید می شود، یا می تواند تأیید شود؟
- توسط اسناد معتبر پشتیبانی می شود یا می تواند بشود؟

• آیا شکایت معتبر است؟

اعتبار یک شاهد به عوامل زیر بستگی دارد: آیا او:

- دانش مستقیمی از واقعیات درمورد موضوع دارد یا آنکه اطلاعات او دست دوم است و یا براساس شنیده ها است؟
- دارای یک انگیزه برای جعل اطلاعات و یا بیان واقعیت است؟
- آیا تمایل به معرفی و شناسایی خود حداقل به بازرسان دارد ) مگر آنکه این شناسایی برای او خطرناک باشد)

با این حال اگر دلایل واضحی برای تردید در اعتبار شهود وجود داشته باشد، محقق نباید بیش از حد در ارزیابی آن در این مرحله نگران باشد. بسیاری از گزارش های مفید توسط خبرنگاران ناشناس یا افراد دارای منافع شخصی در تحقیق مانند پیمانکاران شکست خورده در مناقصه یا کارمندان اخراج شده ارائه می شود.

اگر گزارش ظاهراً قابل اعتماد باشد، محقق باید مستقلاً این ادعاها را بررسی کند؛ برای مثال به دنبال سایر نشانه های تخلف ادعایی باشد و یا تصمیم بگیرد آیا براساس اطلاعات به دست آمده فرآیند رسیدگی را آغاز کند یا خیر؟



## رشوه، هدیه و رسوایی: هفت ماجرای فساد تاریخی که انگلستان را تکان داد<sup>۱</sup>



---

1. [www.historyextra.com/...history.../bribes-scandal-stories-corruption-shocked-britain](http://www.historyextra.com/...history.../bribes-scandal-stories-corruption-shocked-britain)

از پذیرش هدیه گرفته تا فرار مالیاتی، فساد و رسوایی به شدت در اخبار این روزها برجسته شده است. اما نمی توان فراموش کرد که افراد یا نظام های فاسد پدیده زندگی مدرن نیستند. در این نوشتار هفت مورد فساد در قرن های ۱۷، ۱۸ و ۱۹ مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۱. هدایا یا رشوه ها



فرانسیس بیکن یکی از سیاستمداران و فیلسوفان معروف انگلیسی بود. بسیاری وی را محور اصلی تحول فکری در قرون وسطی می دانند تا جایی که او را از بانیان انقلاب علمی می شمارند و پایان سلطه کلیسا بر تفکر را به اندیشه های او نسبت می دهند.

بیکن در ۱۵۸۴ به عضویت

مجلس عوام انتخاب گردید و به عنوان مشاور «ارل اسکس» (یکی از چهره های سیاسی معروف انگلیس) مشغول به کار گردید. ترفیعات بیکن در مدارج سیاسی انگلستان ادامه یافت و در ۱۵۸۶ و ۱۵۸۸ نیز مجدداً به عضویت مجلس عوام برگزیده گردید.

در سال ۱۵۹۷ نخستین چاپ انگلیسی کتاب «تبعات اخلاقی و سیاسی» خود را منتشر نمود و در مجلس عوام از تمام درخواست های کمک خرج دربار پشتیبانی کرد و سرانجام مشاور عالی ملکه گردید.

بیکن در سال ۱۶۰۷ معاون دادستان و شش سال بعد دادستان کل انگلستان گردید. در سال ۱۶۱۶ رایزن سلطنتی و سال بعد از آن مهرداد سلطنتی گردید و نهایتاً در پنجاه و هفت سالگی به مقام صدارت عظمای

انگلستان دست‌یافت. در سال ۱۶۲۱ به اخذ رشوه در محاکماتی که سمت قضاوت در آن‌ها را بر عهده داشت، متهم گردید.

به طرز غیرمنتظره‌ای برخلاف اغلب موارد فساد، بیکن گناه خود را پذیرفت، درحالی که معتقد بود ذاتاً فاسد نیست و ممکن است از روی ضعف و به خاطر مقتضیات زمانی این کار را کرده باشد. بیکن به آنچه تحت عناوین پاداش و رشوه دریافت کرده بود اشاره کرد و نزدیکی این دو مفهوم را نشان داد. علاوه بر این او تا حدی قربانی مبارزات سیاسی که علیه حامی او دوک باکینگهام (که بعداً ترور شد) در جریان بود نیز شد. زیرا حمله به بیکن، حمله به دوک نیز محسوب می‌شد.

اما دربار هم به نوبه خود انتقام گرفت؛ زمانی که سه سال بعد، ارل میدلسکس، مقام عالی خزانه‌داری را به فساد متهم کرد. او به شدت خشم دربار را برانگیخته بود؛ زیرا اصلاحات مالی او نظام حمایتی سودآوری را که دوک باکینگهام توسعه داده بود تضعیف کرده بود. محاکمه او نیز نشان‌دهنده نوسانی بین رفتار قانونی و غیرقانونی بود. او تاجر سرمایه‌داری بود که به دنبال اصلاح و تسهیل امور مالی بود، اما هم‌زمان به دنبال فرصت‌هایی در دولت برای ثروت‌اندوزی خود نیز بود.

ترسیم مرزهای بین خصوصی و عمومی و بین یک هدیه قانونی و یک رشوه غیرقانونی در آن زمان سخت بوده است، زیرا هدیه دادن بخش ذاتی جامعه‌ی پیش مدرن و یک‌رویه معمول در میان دوستان بوده است.

## ۲. ساموئل پیپس « شیرها، ببرها و خرس‌ها »



یکی دیگر از شخصیت‌های مشهور که به پذیرش هدیه یا رشوه متهم شد، ساموئل پیپس است. ساموئل پیپس در ۱۶۳۳ در لندن زاده شد. پس از اتمام تحصیلاتش

در کمبریج به خدمت نیروی دریایی درآمد و دیری نگذشت که در ۱۶۷۲ به مقام دبیری اداره نیروی دریایی رسید. با این حال او در ۱۶۷۹ به اتهام دست داشتن در «توطئه پاپی» علیه چارلز دوم از سمت خود برکنار و در برج لندن زندانی شد. در ۱۶۸۴ او بار دیگر به مقام خود بازگشت و در همان سال به ریاست جامعه سلطنتی برگزیده شد. با این وجود او بار دیگر و این بار در زمان وقوع انقلاب باشکوه از کارش برکنار کردید.

یک اعلامیه در سال ۱۶۷۹ از و دوستش ویل هویرر خواسته بود تا تمام پولی را که آن‌ها تحت عنوان حقوق و دستمزد به همراه هدایای عجیب و غریب بسیار (از جمله چند قلاده شیر، خرس و ببر) به صورتی ناعادلانه از کاپیتان کشتی گرفته بودند، بازپرداخت کنند.

از خاطرات روزانه پیپس چنین برمی آید که او از پذیرش برخی از این رشوه‌ها احساس ناراحتی داشته است. در سال ۱۶۶۳ او پس از دریافت یکی از رشوه‌های اولیه اش پакتی حاوی پول را باز نکرده پس فرستاد. پیپس از هرگونه اتهام رسمی در مورد پذیرش رشوه فرار کرد، هرچند در سال ۱۶۶۸ زمانی که در جریان یک بازرسی او و دوستانش متهم به دریافت پول‌های مشکوک شدند؛ او تصمیم گرفت که یک بار برای همیشه حقیقت را در ارتباط با این ماجراها بازگو کند.

دو سال بعد پیپس دوباره مورد اتهام قرار گرفت، اما این بار آن را از بین برد و اعتراض کرد که هرگز به طور مستقیم یا غیرمستقیم تقاضا یا انتظار دریافت هزینه یا پاداش خدماتی را که برای دیگران انجام می‌داده است نداشته است. با این حال اگرچه او فساد را در دیگران تشخیص می‌داد، اما نمی‌توانست تصویر خود را در همان آینه نیز ببیند. برای پیپس آنچه دیگران رشوه می‌دیدند به عنوان یک "سپاس‌گزاری داوطلبانه" و یا هدیه برای کارهای فوق‌العاده‌ای بود که انجام داده است.

### ۳. فروش شغل

در سال ۱۷۲۵ یکی دیگر از صدراعظم‌های دربار با لقب ارل مک کلسفیلد به دلیل فساد برای فروش شغل مورد سرزنش و مؤاخذه قرار گرفت. درست چند سال بعد از اولین سقوط بزرگ بازار سهام در تاریخ انگلستان، که در آن سهامداران فاسد به طور گسترده‌ای متهم شدند، او نیز محاکمه شد. درواقع سقوط بازار سهام فرصتی را برای مقام صدر اعظمی فراهم آورده بود تا از صندوق خزانه برای فروش مناصب پرمنفعت استفاده کند. مک کلسفیلد مجرم شناخته و ۳۰ هزار پوند جریمه شد که یکی از شدیدترین مجازات در نوع خودش بود.

دفاع مک کلسفیلد هم جالب بوده است. علاوه بر این استدلال همیشگی که مبالغ دریافتی هدیه بوده‌اند و نه رشوه، ادعا کرد که گرفتن پول برای انتصاب کسی به یک مقام، در هیچ قانونی به عنوان جرم نیامده است و مقام‌های دولتی که او به فروش می‌رسانده است درواقع مالکیت خصوصی او بوده است. بنا به گفته مک کلسفیلد - و همچنین بسیاری از معاصران او - مقامات عمومی بخشی از مالکیت خصوصی محسوب می‌شدند که مورد خریدوفروش قرار می‌گرفتند. تنها اقدام احتیاطی این بود که کسی که صاحب این پست یا مقام می‌شود باید عملکرد خوبی داشته باشد. ورای آن دولت واقعاً منافع مشروعی در این قضیه نداشت.

### ۴. فساد امپراتوری

تمام آنچه گذشت رسوایی‌هایی داخلی محسوب می‌شدند. اما قدرت فزاینده جهانی انگلستان که مستلزم نیروی نظامی بزرگ و بودجه عظیمی برای اداره مستعمرات بود، فساد را به دستور کار عمومی تبدیل ساخت. فساد درباره مؤسسات، ساختارها و همچنین افراد است و به همین صورت حجم زیادی از رسوایی‌های فساد در اطراف کمپانی هند شرقی وجود داشت. شرکت‌های فاسد در مرزهای مبهم قانونی و غیرقانونی و خصوصی



و غیر خصوصی ثروت‌های عظیمی به دست آورده بودند. کمپانی هند شرقی یک شرکت خصوصی بود و تقریباً تمام مقامات شرکت در تجارتی پنهان و شخصی فعال بودند که گاهی اوقات در تعارض مستقیم با تجارت کارفرمایان بود. با این حال مجلس به شرکت یک انحصار تجاری داد و دولت از پول‌ها یا وام‌هایی که به آن‌ها داده می‌شد بهره می‌بردند.



در سال ۱۸۳۳ دولت به کمپانی هند شرقی اجازه کنترل سیاسی و اداری را بر سرزمین‌هایی که توسط ارتش نیمه خصوصی‌اش به دست آورده بود، داد. در سال ۱۸۵۷، پس از شورش‌های هند، پادشاهی وظایفی را که قبلاً توسط این شرکت انجام می‌شد را به تمامی بر عهده گرفت و در نهایت مرزهای مبهمی که بین بخش خصوصی و عمومی بود را هرچند از طریق اعمال حکومت مستقیم مستعمراتی روشن کرد. اما انتقال از نیمه خصوصی به شرکت دولتی مدت زیادی طول کشید و رسوایی‌های فساد بخشی از این روند بود. طنز ماجرا در این بود که مبارزه با فساد به استعمار مستقیم تبدیل شد.

## ۵. قضیه توماس رامبولد

سر توماس رامبولد یک سیاستمدار انگلستانی اواخر قرن هیجدهم بود. رامبولد ابتدا وابسته به لرد کلایو بود، که در هند به ثروت سرشاری دست یافته بود و مانند او هم‌زمان به دنبال منافع خصوصی و دولتی بود. در آنجا برخی از معاملات رامبولد قانونی بود؛ اما او دائماً به دنبال استفاده از

موضع رسمی خود برای به دست آوردن یا حتی ایجاد مزیت خصوصی برای خود بود. بنابراین به عنوان جمع کننده درآمد دولت در دهه ۱۷۶۰ او توانست ثروت شخصی قابل توجهی را جمع کند. هنگامی که در سال ۱۷۶۹ به انگلستان بازگشت یک کرسی پارلمانی را خریداری کرد.

او به عنوان فرماندار مدرس در سال ۱۷۷۸ به هند بازگشت و فرمانداری او به معنای واقعی کلمه در جهت منافع مستقیم او اداره می شد. هنگامی که به انگلستان بازگشت ثروتی معادل ۶۰۰ هزار پوند با خود به همراه آورد.

رامبولد با بازگشت به انگلستان در سال ۱۷۸۱ با پرونده تحقیقاتی از طرف مجلس روبرو شد. لایحه ای تهیه شد که او را به خاطر نقض اعتماد عمومی جریمه می کرد. رامبولد این اتهامات را رد کرد و ادعا کرد که شواهدی واقعی علیه وی وجود ندارد. تلاش ها برای تحقیق در مورد سوءاستفاده های اداری او پیشرفت چندانی نکرد چراکه ظاهراً برخی از اعضای اصلی تحقیق نیز خود رشوه دریافت کرده بودند.

## ۶. بدترین گونه های فساد

این مورد نیز یکی از طولانی ترین محاکمات در تاریخ انگلستان است؛ یکی دیگر از پرونده های فساد که مربوط به کمپانی هند شرقی و علیه وارن هاستینگز بین سال های ۱۷۸۹ و ۱۷۹۵ مطرح بوده است. هاستینگز فرماندار این کمپانی در اواخر قرن هجدهم بود و حکومت بخش های بزرگی از هند را بر عهده داشت. یکی از اتهاماتی که به او نسبت داده شد دریافت هدایا و رشوه های قابل توجهی برای فروش مقامات و دفاتر دولتی بود. فساد که لرد ترالو صدراعظم آن را بدترین نوع فساد می دانست.

اما لرد ترالو همچنین به ادعای دادرسان که معتقد بودند همین که هدیه ای از طرف مقام پایین تر به مقام مافوق داده شود برای رشوه نامیدن آن کافی است اعتراض داشت و آن را یک دکتربین جدید می دانست. ترالو بر این نظر بود که انگیزه فساد نیز باید نشان داده شود و البته در نهایت هاستینگز تبرئه شد. اما محاکمه هاستینگز پرسش های جالبی را در مورد

آنچه ادموند برک، دادستان کل هاستینگ « اخلاق جغرافیایی » نامید، مطرح کرد. اخلاقی که به جای جهانی بودن، محلی بود. هاستینگز استدلال کرده بود که " اقدامات در آسیا دارای همان ویژگی های اخلاقی نیستند که در اروپا هستند." بنابراین او نمی تواند براساس همان استانداردهای اخلاقی قضاوت شود. بنابراین تبرئه او مفهوم اخلاق جهانی را کنار زد.

## ۷. خطرات افشای فساد

رسوایی های ناشی از فساد مانند آنچه درمورد هاستینگز وجود داشت، درمورد مبالغ کلانی بودند که ظاهراً توسط نخبگان انجام شده بود. در اوایل قرن نوزدهم این ایده که نخبگان ملت را سرکوب کرده و با سوءاستفاده شخصی موجب تحمیل مالیات های سنگین به مردم شده اند رواج گسترده ای یافته بود و بعضی این آمادگی را پیدا کرده بودند که آن را به صورت آشکار و علنی بیان کنند.

ویلیام هون خود مرتکب فساد نشده بود و قربانی مستقیم آن هم نبود، اما به عنوان یک ناشر و نویسنده در پی افشای آنچه فساد نظام یافته جامعه قرن نوزدهم می دانست بود. هون بر این عقیده بود که ثروت از دل خرابه های فقر به وجود می آید که در اثر پرداختن هزینه های جنگ های ناپلئونی به وجود آمده اند و اکنون مردم اروپا مجبور به تحمل عواقب آن بعد از پایان آن جنگ ها هستند. در سال ۱۸۷۱ هون سه بار به دادگاه فراخوانده شد تا به خاطر آنچه توهین به مقدسات و استهزاء دولت نامیده می شد محاکمه شود.

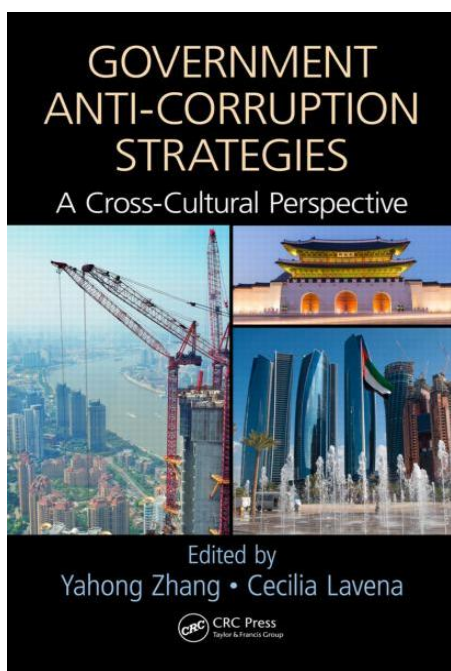
هون دفاعیات خود را ارائه نمود و نشان داد متون مذهبی در گذشته نیز موردنقد قرار گرفته اند و این که نوشتن طنز درمورد فسادهای دولت هیچ گاه جرم نبوده است. هیئت منصفه او را در همه این موارد تبرئه کرد و او تبدیل به یک قهرمان محبوب شد.

این رسوایی‌ها نشان می‌دهد که مسئله فساد چگونه اتفاق می‌افتد و مبارزه با آن دارای چه چالش‌هایی است و کشیدن خط مرزی میان منافع شخصی و منافع عمومی سخت است. تعریف مرزها در انگلستان مدت زیادی طول کشید به نحوی که عمل فروش دفاتر یا مقامات تا مدت‌ها ادامه داشت.

مبارزه با فساد زمان بر است. حتی در کشورهایی که در حال حاضر فاسد شناخته نمی‌شوند، زمانی در اوایل قرن هیجدهم سیستم حسابداری پارلمانی برای پنجاه سال لغو شد. سرعت آهسته مبارزه با فساد تنها درمورد تغییر شیوه‌های اداری یا نهادی نبود، بلکه درمورد تغییر قلب و ذهن مقامات و کسانی که با آن‌ها تعامل داشتند و همچنین فرهنگی که در آن عمل می‌کردند نیز بود و این وظیفه چالش‌برانگیزی بود. مبارزه با فساد یک فرآیند همیشگی است تا وصول به مقصد نهایی.



معرفی کتاب  
راهبردهای ضد فساد دولتی  
دیدگاهی از تقاطع فرهنگی<sup>۱</sup>



تدوین: یونگ ژانگ<sup>۲</sup>. سیسیلیا لاون<sup>۳</sup>

1. [www.crcpress.com/Government-Anti-Corruption-Strategies-A-Cross-Cultural-Perspective/](http://www.crcpress.com/Government-Anti-Corruption-Strategies-A-Cross-Cultural-Perspective/)

2. Yahong Zhang

3. Cecilia Lavena

به‌عنوان یک بیماری سیاسی و اجتماعی، فساد اداری دولت‌ها و شرکت‌های تجاری در سراسر جهان هر ساله باعث تریلیون‌ها دلار هزینه می‌شود.

این کتاب درک بهتری از فساد اداری و اقدامات ضدفساد را برای خوانندگان فراهم می‌کند و یک چارچوب کلی از راهبردهای ضد فساد که دولت‌ها را متعهد به اقدامات مؤثر علیه فساد می‌کند، ارائه می‌دهد. مطالعات موردی چند کشور نشان می‌دهد که دولت‌ها چگونه راهبردهای مبارزه به فساد را به کار می‌گیرند.

نویسندگان تلاش‌های ضدفساد چندین کشور از جمله چین، هند، کره جنوبی، نپال و کشورهای شرقی و مرکزی اروپا را نشان می‌دهند که درواقع تمرکزی بر کشورهای در حال توسعه و گذار است که در آن عمق و اثرات فساد شدید است. این پرونده‌ها نمونه‌هایی از شکست و موفقیت را نشان می‌دهد به‌نحوی که پیچیدگی‌های مسائل فساد و دلایل فساد اداری قابل فهم‌تر شود.

اکثر نویسندگان هر فصل از کتاب، بومی کشورهای هستند که مورد بحث قرار گرفته است و دیدگاه و تحلیلی داخلی را ارائه می‌دهند. آن‌ها آسیب‌های وحشتناکی را که فساد می‌تواند به وجود بیاورد در معرض دید قرار می‌دهند. در دولت‌هایی که پاسخگویی به‌طور کلی ضعیف است، نهادهای قانونی توسعه نیافته‌اند، آزادی‌های مدنی و رقابت‌های سیاسی اغلب محدود هستند و قوانین اغلب نادیده گرفته می‌شوند؛ این مردم هستند که در نهایت رنج می‌برند.

کتاب نشان‌دهنده تلاش‌های بین‌المللی برای تقویت درک بهتر مسائل مربوط به فساد است. این مجموعه مطالعات، بینش‌هایی را درباره موارد واقعی فساد ارائه می‌دهد که به فعالان حوزه مبارزه با فساد کمک می‌کند تا در صورت آشکار شدن فساد، به بهترین شکل با آن مبارزه کنند.

کتاب دارای سبک نوشتاری تمرین گرا است که مطالعه آن را لذت بخش می سازد.

### فهرست مطالب کتاب

- مقدمه: فساد و راهبردهای ضدفساد دولتی
- اقدامات ضدفساد: سازمان های غیردولتی و بین دولتی
- اقدامات ضدفساد در هند
- برنامه افشاگری به عنوان ابزاری برای مبارزه با فساد در چین
- درس هایی از چین: مبارزه با فساد در بخش ساخت و ساز
- درس های مبارزه با فساد از نپال
- تکامل تدریجی راهبردهای مای ضدفساد در کره جنوبی
- راهبردهای مبارزه با فساد در سنگاپور: قابل فهم کردن مدل سنگاپور
- مبارزه با فساد در کشورهای مرکزی و شرقی اروپا از طریق شفافیت: چالش های نظارتی و نهادی
- چگونه دفتر اداره مبارزه با قاچاق مواد مخدر کمک کرد کرواسی زوایایی از فساد را روشن کند.
- استراتژی های مبارزه با فساد در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس: درس های یاد گرفته شده و راه پیش رو
- مبارزه با رشوه مقامات خارجی: یک استراتژی مبارزه با فساد در کشورهای در حال توسعه
- آنچه ما می توانیم در سراسر جهان از اقدامات ضدفساد یاد بگیریم چیست؟





نشانی: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع سپهبد قرنی

سازمان بازرسی کل کشور، طبقه ششم

شماره تماس: ۶۱۳۶۲۳۰۷

نشانی الکترونیک: [bazrasi.research@136.ir](mailto:bazrasi.research@136.ir)

[www.bazrasi.ir](http://www.bazrasi.ir)